



پایه دهم

مادری بیست فارسی ۱

دکتر مجتبی احمدوند

مشاور علمی: دکتر کورش بقائی راوری

درسنامه سوال‌های امتحانی با پاسخ تشریحی امتحان نهایی

دارای بیش از ۱۴۵۰ سوال امتحانی

متن کامل کتاب درسی و شرح و آموزش تمام نکات زبانی، ادبی و فکری

قرارگیری بیش از ۳۵۰ سوال امتحان نهایی در کنار هر بیت و سطر کتاب درسی

پاسخ کامل و دقیق پرسش‌های کارگاه‌های متن‌پژوهی و درک و دریافت‌ها کتاب درسی

بیش از ۱۱۰۰ سوال در پایان درس‌ها به همراه سوال‌های امتحانی دشوار جهت شبیه‌سازی

سوال‌های سخت امتحان نهایی

دربدارنده آزمون‌های درس به درس، نوبت اول، نوبت دوم و امتحان نهایی برای آمادگی کامل امتحانات پایانی

به همراه یک جلد ضمیمه رایگان شامل واژه‌نامه، آموزش جامع دستور و آرایه و خلاصه درس‌های کل کتاب



کپی راجع به مجموعه «ماجرای بیست»

تا حالا به این فکر کردین که یه دانش‌آموز توی ۲۴ ساعت شبانه‌روز چی کار می‌کنه؟

- هفت هشت ساعت می‌خوابه و استراحت می‌کنه.
 - حداقل هفت ساعت تو مدرسه‌ست که شیش ساعتش رو سر کلاسه و (احتمالاً) داره درس گوش می‌ده.
 - حدود یک ساعت تو راه خونه به مدرسه و مدرسه به خونه‌ست.
 - سه چهار ساعتی هم توی خونه با کتابا و درساش مشغوله و گشتی می‌گیره.
 - چهار پنج ساعت از وقتش هم می‌ره برای غذاخوردن، حضور در آغوش گرم خانواده و کارای شخصی مهم و بازی‌گوشی (که شامل گوشی‌بازی هم می‌شه!).
- خُب! با این حساب و کتابا معلوم می‌شه یه دانش‌آموز، ۷۵/۶۲۵ درصد از زمان بیداریش رو با درس و مشق و کتاب و مدرسه و معلم می‌گذرونه با کلی اتفاقات تلخ و شیرین؛ پس بی‌راه نیست که بگیم: «ماجرای بیست» ماجرای اصلی زندگی یه دانش‌آموزه.
- ما توی خیلی‌سبز، این مجموعه رو آماده کردیم چون واقعاً دلمون می‌خواد داستان مدرسه‌رفتن و درس‌خوندن شما و این عمری که به پاش گذاشتین، پایان خیلی خوش و شکوهمندی داشته باشه!
- اگه ماجراهای جالب خودتون با درساتون رو به صورت مطلب، عکس، سلفی، خاطره، فیلم و فیلم‌نامه ... برامون بفرستین، خیلی رو سرمون ممت گذاشتین. ما حتماً ماجراهاتون رو یه جایی (مثلاً تو سایت خیلی‌سبز یا شاید هم چاپ بعدی کتاب) منتشر می‌کنیم.

ماجرای بیست فارسی ۱

یک بار معلم ادبیات عزیزمان تصمیم گرفت تمام لغت‌های آخر کتاب ادبیات را از ما بپرسد و قرار شد به ازای هر غلطی که بگوییم، یک بار از روی کَل لغات بنویسیم! روز معهود، دبیر گرامی ما را به صف کرد و یکی‌یکی لغات را از ما پرسید! چشمتان روز بد نبیند، قوانین مورفی^۱ یکی‌یکی سراغم می‌آمدند!

نتیجه کار این بود که بنده بایستی سه مرتبه از روی کَل لغات با معانی آنها رونویسی می‌کردم و تا دو روز بعد به معلم عزیزمان تحویل می‌دادم! یادم می‌آید که برای تمام کردن این تکلیف (بخوانید جریمه!) یک شب تا صبح بیدار ماندم.

آقا داغون شریم رفت، ها ها ها!!! (با لَهوّه آقای همساره پفوانید!)

در واقع، مشکل این است که یادگرفتن لغت جدا از متن کار درستی نیست، هر چند سریع‌تر و راحت‌تر به نظر می‌رسد. این بود که وقتی استاد بزرگوار، آقای احمدوند تصمیم گرفتند که تألیف این کتاب را شروع کنند، به ایشان گفتیم: «آقای احمدوند! ما کتابی می‌خواهیم که علاوه بر اینکه سریع و راحت خوانده شود، بتوان با آن ادبیات را یاد هم گرفت.» آقای احمدوند هم برای ما (یعنی شما) این کتاب را نوشتند و آقای دکتر بقائی گرامی هم مثل همیشه با ایده‌ها و دقت نظرشان کتاب را بهتر نمودند تا شما چیزی برای ۲۰ گرفتن کم نداشته باشید. اگر زمان ما هم کتابی شبیه به کتاب آقای احمدوند بود، شاید من مجبور نمی‌شدم شب تا صبح برای نوشتن جریمه بیدار بمانم، هر چند برای جریمه شدن (یا جریمه کردن) راه‌های مختلفی وجود دارد! حالا اگر شما این کتاب را خواندید و جریمه نشدید ولی بقیه که نخواندند، جریمه شدند 😊 یا حتی اگر خواندید و جریمه هم شدید 😞 ماجرای خودتان و این کتاب را برایمان ارسال کنید!

۱- روزی یکی از تکنسین‌های زبردست آقای مورفی، مهندس ناسا، اشتباهی در آزمایش انجام داد که ایشان را به دردرس بزرگی انداخت. پس از آن، مهندس مورفی قانونی را بیان کرد که به نام خود ایشان مشهور است و آن این است: «اگر راه‌های متفاوتی برای انجام کاری باشد که یکی از آنها به خرابی یا فاجعه بینجامد، حتماً یک نفر کار را به همان صورت انجام خواهد داد.»



تقدیم به

دکتر کوروش بقائی راوری


به پاس منش کامل عیارش و دانش سرشارش

نقشه گنج - نقشه بیست

دزدان دریایی سنگدل و بی‌رحمی به رهبری ناخدایی یک‌پا و یک‌چشم که یک طوطی همراه خود دارد، می‌خواهند وارد جزیره‌ای گرمسیری شوند و به کمک نقشه‌ای که در چند جای آن علامت  دارد، جزیره را زیر و رو کنند و گنج پنهان آن را بیابند. این‌ها تصوّراتی است که عموماً از کتاب «جزیره گنج» رابرت لویی استیونسن^۱ سرچشمه می‌گیرد. ادبیات تا این اندازه می‌تواند تأثیرگذار باشد؛ آن اندازه که طی قرن‌ها، نگاه انسان‌ها به هر موضوعی را دگرگون سازد. در ادب فارسی نیز «گنج» همیشه همراه «طلسم» است و آن کسی که خواهان گنج باشد باید زحمت گشودن طلسم را هم به خود بدهد:



طلسم بسته را با رنج یابی چو بگشایی، به زیرش گنج یابی نظای

گرفتن نمره «بیست»، رسیدن به همان «گنج» است که نقشه‌ای دارد و حتی گاهی طلسمی! باید برایتان چند جای جزیره را علامت  بزنیم تا به راحتی به آن‌چه می‌خواهید برسید. پیشنهاد می‌کنیم تا نقشه گنج (مقدمه کاربردی) را به خوبی بررسی نکرده‌اید، وارد جزیره (کتاب) نشوید؛ از ما گفتن!

نمره بیست با ماجرای بیست

می‌دانیم که مهم‌ترین هدف شما از خواندن این کتاب، گرفتن نمره عالی در امتحان نهایی است و ما برای رسیدن‌تان به این خواسته، برنامه دقیقی داریم. این کتاب از پنج بخش تشکیل شده که هر قسمت ارزش خود را دارد و لازم است که با هر یک از آن‌ها به خوبی آشنا شوید:

۱ درس‌نامه

در این قسمت ما تمام متن کتاب درسی را بی‌کم و کاست آورده‌ایم و واژه‌به‌واژه، سطر به سطر، بیت‌به‌بیت تمام نکات آن را شرح کرده‌ایم. در این بخش از نشانه‌های زیر استفاده کرده‌ایم:

معنی عبارت یا بیت را به نثر روان معنی کرده‌ایم. **مفهوم** مفهوم کلی عبارت یا بیت را آورده‌ایم. **آرایه** نکات مربوط به قلمرو ادبی و آرایه‌ها را در این‌جا گفته‌ایم. **دستور** مطالب دستوری را هم با این نشانه مشخص کرده‌ایم.


نکته هر جا که نیاز به توضیح بیشتر یا بیان نکته‌ای برای درک بهتر موضوع بوده از این نشانه استفاده کرده‌ایم. **سؤال** در متن درس‌نامه، از سؤالات نهایی و گاه تألیفی بهره برده‌ایم تا با خواندن هر بند از کتاب، بدانید دقیقاً چه سؤالی ممکن است از این بخش مطرح شود. (تمام این موارد در بخش گنج حکمت، روان‌خوانی و شعرخوانی نیز وجود دارد. حتی در کارگاه‌های متن‌پژوهی، علاوه بر پاسخ دقیق به تمام پرسش‌ها، عبارت‌ها و بیت‌های آن را نیز به طور کامل شرح کرده‌ایم.)

۲ ایستگاه آرایه و دستور

تمام نکات آموزشی لازم در بخش دستور زبان و آرایه‌های ادبی در قالب «ایستگاه دستور» و «ایستگاه آرایه» آمده است. نگاه ما در آموزش این بخش‌ها مروری و تکمیلی بوده؛ به این معنا که هر آن‌چه از سال‌های قبل مورد نیاز شماست، به طور کامل توضیح داده‌ایم و نیازی به مراجعه به کتاب یا جزوه‌های سال‌های قبل ندارید.

۱. رابرت لویی بالفور استیونسن (Robert Louis Balfour Stevenson) این کتاب را در سال ۱۸۸۳ منتشر ساخت.

۳ آزمون درس

بعد از آن که دو مرحله بالا را پشت سر گذاشتید، حالا نوبت یک آزمون جامع است که تمام زوایای درس را نشانه بگیرد و اگر نکته‌ای از چشم شما پنهان مانده، آن را یادآوری کند. هر درس یک آزمون دوسطحی دارد، در سطح اول شما با سؤالات همیشگی و معمول امتحان نهایی روبه‌رو می‌شوید و در سطح دوم که با عنوان **بیشتر تمرین کنید** مشخص شده‌اند با پرسش‌های دشوارتر و کمی چالشی‌تر مواجه خواهید شد. در بخش آزمون، سؤالات دشوار با علامت  مشخص شده‌اند؛ اما این کار به معنای آن نیست که این سؤالات از اهمیت بالاتری برخوردارند، بلکه مفهوم این نشانه آن است که برای پاسخ به این سؤالات باید دقت و گاه دانش بیشتری داشته باشید.

۴ آزمون‌های پایانی

برای آمادگی تمام‌عیار و آشنایی کامل با آزمون‌های پایانی نیم‌سال اول و دوم، شش آزمون جامع برایتان آورده‌ایم. آزمون‌های شماره یک و دو مربوط به نیم‌سال اول و چهار آزمون دیگر برای نیم‌سال دوم طراحی شده‌اند.

۵ ضمیمه رایگان (کتابچه همراه)

حتماً برایتان پیش آمده که در مسیر رفت و آمد از مدرسه، زنگ تفریح، تعطیلی یک زنگ بین زنگ‌های دیگر و ... فرصتی می‌یابید تا مطالعه کنید اما در این زمان شاید اندک، نمی‌دانید چه‌طور می‌توانید از وقت خود به بهترین شکل استفاده کنید. ضمیمه کتاب ماجرای بیست فارسی به شما این امکان را می‌دهد، در هر جا و در هر زمانی به محتوای کتاب درسی دسترسی داشته باشید و آن را بارها و بارها بخوانید.

ساختار این کتابچه به این صورت است که در بخش نخست، معنای واژه‌های مهم کتاب را به صورت تفکیکی (درس به درس) آورده‌ایم. این واژه‌ها هم کلمات معنی شده در پایان کتاب درسی را شامل می‌شود و هم واژه‌هایی که در متن درس مهم هستند اما در کتاب درسی معنایشان نیامده و ما هر دو را کامل آورده‌ایم. در بخش دوم با چکیده دستور زبان فارسی و آرایه‌های ادبی روبه‌رو می‌شوید. همه آن چه در این مورد نیاز دارید در کاربردی‌ترین صورت ممکن با مثال‌های گوناگون آمده است. در بخش سوم نیز خلاصه‌ای از هر درس را می‌بینید. در این بخش علاوه بر ذکر تمام نکات مهم زبانی، ادبی و فکری هر درس، پاسخ کارگاه‌های متن‌پژوهی و مطالب مهم گنج حکمت، روان‌خوانی و شعرخوانی به طور کامل آمده است. این کتابچه را هرگز از خودتان دور نکنید و در کنار کتاب اصلی، هر روز در هر فرصتی حتی شده چند سطر آن را بخوانید و درس‌هایتان را با آن مرور کنید.

امیدواریم که در راه رسیدن به «گنج دانش» یاریگر خوبی برایتان باشیم و شما نیز بتوانید با تلاش و همت آهنین خود به آن چه سزوارش هستید دست یابید.

نه سیر آید از گنج دانش کسی نه کم گردد از زو ببخشید بسی

به از گنج دانش به گیتی کجاست؟ که را گنج دانش بود پادشاست! اسدی طوسی

سپاسگزاری

در گردآمدن چنین کتابی، بسیار عزیزان که زحمت کشیدند و عمر گران‌قدر را صرف به بار نشستن درخت دانش کردند. آنان که اگر هر یکی‌شان نبود، کار به چنین بار نمی‌رسید. آقای دکتر کورش بقایی راوری که چون همیشه سایه بلند دانش و منش تمام‌عیارش بر ما بود. دکتر ابوذر نصری و دکتر کمیل نصری که آغازگران راهی تازه در دانش‌اندوزی و آموزش بوده و هستند. آقای مهدی هاشمی، مدیر تألیف بی‌نظیر که پس از سال‌ها کار با ایشان در هر فصل جدید، بسیار از ایشان می‌آموزم و لذت می‌برم. سرکار خانم زهرا جالینوسی که با پیگیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های دقیق و هماهنگی‌های بسیار، راه را برایمان هموار کردند. ویراستاران عزیزمان خانم‌ها و آقایان پروانه داوطلب محمودی، عصمت بقائی راوری، زهرا صادقی مالواجردی، دکتر رضا خبازها، دکتر شهنام دادگستر، دکتر گودرزی و اسماعیل تشیعی که با نکته‌سنجی، تیزبینی و دانش خویش، ما را وام‌دار خویش نمودند. گروه تولید انتشارات خیلی سبز که بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر و با دقتی و ذوقی مثال‌زدنی، کار را به انجام رساندند. از همه عزیزان از صمیم جان سپاسگزارم.

ارادتمند همه شما مهربانان

مجتبی احمدوند

فهرست

صفحه

۱۰۷	فصل پنجم: ادبیات انقلاب اسلامی
۱۰۸	درس دهم: دریا دلان صفشکن
۱۱۳	کارگاه متن‌پژوهی
۱۱۵	گنج حکمت: یک گام، فراتر
۱۱۵	آزمون درس دهم
۱۱۸	درس یازدهم: خاک آزادگان
۱۲۱	کارگاه متن‌پژوهی
۱۲۲	روان‌خوانی: شیرزنان ایران
۱۲۷	آزمون درس یازدهم
۱۳۰	فصل ششم: ادبیات حماسی
۱۳۱	درس دوازدهم: رستم و اشکبوس
۱۳۷	کارگاه متن‌پژوهی
۱۳۹	گنج حکمت: عامل و رعیت
۱۳۹	آزمون درس دوازدهم
۱۴۳	درس سیزدهم: گردآفرید
۱۴۹	کارگاه متن‌پژوهی
۱۵۱	شعرخوانی: دلیران و مردان ایران زمین
۱۵۲	آزمون درس سیزدهم
۱۵۶	فصل هفتم: ادبیات داستانی
۱۵۷	درس چهاردهم: طوطی و بقال
۱۶۲	کارگاه متن‌پژوهی
۱۶۳	گنج حکمت: ای رفیق!
۱۶۴	آزمون درس چهاردهم
۱۶۸	درس شانزدهم: خسرو
۱۷۵	کارگاه متن‌پژوهی
۱۷۷	روان‌خوانی: طزاران
۱۷۹	آزمون درس شانزدهم
۱۸۲	فصل هشتم: ادبیات جهان
۱۸۳	درس هفدهم: سپیده‌دم
۱۸۷	کارگاه متن‌پژوهی
۱۸۹	گنج حکمت: مزار شاعر
۱۸۹	آزمون درس هفدهم
۱۹۲	درس هجدهم: عظمت نگاه
۱۹۶	کارگاه متن‌پژوهی
۱۹۷	روان‌خوانی: سه پرشش
۲۰۰	نیایش: الهی
۲۰۱	آزمون درس هجدهم
۲۰۵	پاسخ آزمون‌های درس‌به‌درس
۲۲۳	امتحان شماره ۱: نیم‌سال اول
۲۲۶	امتحان شماره ۲: نیم‌سال اول
۲۲۹	امتحان شماره ۳: نیم‌سال دوم
۲۳۳	امتحان شماره ۴: نیم‌سال دوم
۲۳۷	امتحان شماره ۵: نهایی خرداد ۱۴۰۲
۲۴۱	امتحان شماره ۶: نهایی خرداد ۱۴۰۳

صفحه

۷	ستایش: به نام کردگار
۹	آزمون درس ستایش
۱۱	فصل یکم: ادبیات تعلیمی
۱۲	درس یکم: چشمه
۱۶	کارگاه متن‌پژوهی
۱۸	گنج حکمت: پیرایه خرد
۱۹	آزمون درس یکم
۲۲	درس دوم: از آموختن، ننگ مدار
۲۷	کارگاه متن‌پژوهی
۲۸	روان‌خوانی: دیوار
۳۳	آزمون درس دوم
۳۶	فصل دوم: ادبیات پایداری
۳۷	درس سوم: پاسداری از حقیقت
۴۳	کارگاه متن‌پژوهی
۴۴	گنج حکمت: دیوار عدل
۴۵	آزمون درس سوم
۴۸	فارسی‌واژه‌ها: واژه‌های فارسی‌شده
۴۹	درس پنجم: بیداد ظالمان
۵۶	کارگاه متن‌پژوهی
۵۷	شعرخوانی: همای رحمت
۵۹	آزمون درس پنجم
۶۲	فصل سوم: ادبیات غنایی
۶۳	درس ششم: مهر و وفا
۶۸	کارگاه متن‌پژوهی
۷۰	گنج حکمت: حقه راز
۷۱	آزمون درس ششم
۷۴	درس هفتم: جمال و کمال
۷۸	کارگاه متن‌پژوهی
۸۰	شعرخوانی: بوی گل و ریحان‌ها
۸۱	آزمون درس هفتم
۸۵	فصل چهارم: ادبیات سفر و زندگی
۸۶	درس هشتم: سفر به بصره
۹۰	کارگاه متن‌پژوهی
۹۲	گنج حکمت: شبی در کاروان
۹۳	آزمون درس هشتم
۹۶	درس نهم: کلاس نقاشی
۱۰۰	کارگاه متن‌پژوهی
۱۰۱	روان‌خوانی: پیرمرد چشم ما بود
۱۰۴	آزمون درس نهم



ستایش : به نام کردگار

این شعر از کتاب «الهی‌نامه» سروده «عطار نیشابوری» و در قالب «مثنوی» است.

سؤال: پدیدآورنده «الهی‌نامه» چه کسی است؟

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

پاسخ: عطار نیشابوری

به نام کردگار هفت افلاک^۱ که پیدا کرد آدم از کفی خاک

معنی به نام آفریننده هفت آسمان [سخنم را آغاز می‌کنم]؛ [کسی] که انسان را از مستی خاک آفرید. **مفهوم** خداوند آفریننده آسمان‌ها و انسان است. / آفریده شدن انسان از خاک **آرایه** اشاره به داستان آفرینش انسان: تلمیح / تکرار صامت «ک»: واج آرایبی **دستور** جمع آمدن «افلاک» در عبارت «هفت افلاک» از ویژگی‌های زبانی متون گذشته است، امروزه ما «هفت فلک» می‌گوییم. / مفعول و فعل جمله از پایان مصراع اول به قرینه معنایی حذف شده است: به نام کردگار هفت افلاک [سخنم را آغاز می‌کنم]. / «آدم» مفعول مصراع دوم است.

کردگار: آفریننده
افلاک، جمع فلک، آسمان‌ها
پیدا کرد، آفرید

سؤال: بیت زیر را به نثر روان معنی کنید.

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

به نام کردگار هفت افلاک که پیدا کرد آدم از کفی خاک

پاسخ: به نام آفریننده هفت آسمان [سخنم را آغاز می‌کنم]؛ [کسی] که انسان را از مستی خاک آفرید.

الهی، فضل^۲ خود را یار ما کن ز رحمت، یک نظر در کار ما کن

معنی خداوندا، بخشش خود را با ما همراه کن و از روی رحمت و لطف، عنایت و توجهی به ما کن. **مفهوم** طلب لطف و عنایت خداوند **آرایه** چیزی را یار کسی کردن: کنایه از همراه کردن آن چیز با آن شخص / نظر کردن در کار کسی: کنایه از توجه کردن و عنایت به او / تکرار صامت «ر»: واج آرایبی / یار و کار: جناس ناهمسان / فضل و رحمت: تناسب **دستور** **نگاهی به آینده** «الهی» به معنای «خداوندا» در نقش منادا آمده است. / «فضل خود» مفعول مصراع اول است. **دانش ادبی** یار و کار: واژه‌های قافیه؛ ما کن: ردیف

فضل: لطف، توجه، رحمت، احسان - که از خداوند می‌رسد.
نظر: نگاه، توجه، عنایت
کار: (اینجا) وضعیت، حال

سؤال: مصراع روبه‌رو را به نثر روان معنی کنید.

(نهایی فرردار ۱۴۰۲)

«الهی، فضل خود را یار ما کن»

پاسخ: خداوندا، بخشش خود را با ما همراه کن.

سؤال: نقش دستوری واژه مشخص شده را بنویسید.

(نهایی فرردار ۱۴۰۲)

«الهی، فضل خود را یار ما کن»

پاسخ: منادا

تویی رزاق هر پیدا و پنهان تویی خلاق هر دانا و نادان

معنی تو روزی‌دهنده تمام موجودات آشکار و پنهانی و تو آفریننده همه مخلوقات - خواه انسان که داناست یا سایر موجودات که نادان اند - هستی. **مفهوم** خداوند آفریننده و روزی‌دهنده همه موجودات است. **آرایه** «پیدا و پنهان» - «دانا و نادان»: تضاد / هر پیدا و پنهان: کنایه از کل موجودات / هر دانا و نادان: کنایه از همه مخلوقات **دستور** «ی» در «تویی» مخفف فعل «هستی» است. / «تو» در هر دو مصراع: نهاد / «رزاق» و «خلاق»: مسند

رزاق: روزی‌دهنده
خلاق: آفریننده
پیدا: آشکار

سؤال: معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

تویی رزاق هر پیدا و پنهان تویی خلاق هر دانا و نادان

پاسخ: رزاق: روزی‌دهنده / خلاق: آفریننده

زهی گویا ز تو، کام و زبانم تویی هم آشکارا، هم نهانم

معنی خوشا که دهان و زبانم از قدرت تو گویا شده است و آشکار و نهان وجودم از توست. **مفهوم** همه چیز از خداست. **آرایه** آشکار و نهان: تضاد / گویا، کام و زبان: تناسب **دستور** «زهی» شبه جمله است که مفهوم یک جمله را منتقل می‌کند. / فعل «است» در مصراع اول به قرینه معنایی حذف شده است: کام و زبانم از تو گویا [است]. / «ی» در «تویی» مخفف «هستی» است.

زهی: هنگام اظهار خشنودی یا شگفتی از چیزی یا تشویق و تحسین کسی گفته می‌شود. خوشا، آفرین، شگفتا
کام: دهان

۱. واژه‌های رنگی کلماتی هستند که معنای آنها در واژه‌نامه پایان کتاب درسی آمده است.

۲. واژه‌هایی که به این شکل مشخص (هایلایت) شده‌اند، از نظر املایی مهم هستند.

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

سؤال: املاي صحیح را از داخل کمانک انتخاب کنید.

 (زهی/ ذهی) گویا ز تو کام و زبانم / تویی هم آشکارا هم نهانم
پاسخ: «زهی» صحیح است.

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

سؤال: بیت زیر را به نثر روان معنی کنید.

 زهی گویا ز تو کام و زبانم / تویی هم آشکارا هم نهانم
پاسخ: خوشا که دهان و زبانم از قدرت تو گویا شده است و آشکار و نهان وجودم از توست.

 پدیدار: آشکار، نمایان
 حقیقت: حقیقتاً، به راستی
 رخسار: چهره، روی

چو در وقت بهار آبی پدیدار / **حقیقت، پرده برداری ز رخسار**
معنی وقتی که در فصل بهار نمایان می‌شوی، حقیقتاً جمال خود را آشکار می‌کنی. **مفهوم** جلوه خداوند در زیبایی‌های طبیعت **آرایه** پرده برداشتن از چیزی: کنایه از آشکار کردن آن / تکرار صامت «ر»: واج‌آرایی / پدیدار و پرده: تضاد **دستور** «آمدن» در گذشته به معنی «شدن» به کار می‌رفته است، عبارت «پدیدار آبی» یعنی «پدیدار شوی»؛ پس «پدیدار» مسند است. / «حقیقت» در معنی «به راستی» و «درحقیقت» یا «حقیقتاً» به کار رفته و قید است.

فروغ: روشنائی، پرتو

عجایب: جمع عجیب؛ چیزهای شگفت‌آور

فروغ رویت اندازی سوی خاک / **عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک**
معنی روشنی رخسارت را بر روی زمین می‌اندازی و تصویرهای شگفت‌آوری در آن ایجاد می‌کنی. **مفهوم** زیبایی آفرینش از پرتو جمال الهی است. **آرایه** خاک: مجاز از جهان و زمین / روی و سوی: جناس ناهمسان / نقش: استعاره یا مجاز از آفریده‌ها **دستور** «عجایب نقش‌ها» در واقع «نقش‌های عجایب» است. جمع آمدن صفت (عجایب) یکی از ویژگی‌های نوشته‌های گذشته است؛ امروز می‌گوییم «نقش‌های عجیب». / «ت» در «رویت»: مضاف‌الیه **دانش ادبی** اندازی و سازی: واژه‌های قافیه؛ سوی خاک: ردیف

گل از شوق تو خندان در بهار است / **از آتش رنگ‌های بی‌شمار است**
معنی گل به دلیل اشتیاقی که به تو دارد، در فصل بهار شکفته می‌شود [او می‌خندد] و به همین علت است که رنگ‌های بی‌شماری دارد. **مفهوم** عشق به خداوند موجب زیبایی پدیده‌هاست. **آرایه** خندیدن گل: تشخیص و کنایه از شکفته شدن آن / گل و بهار: تناسب **نگاهی به آینده** علت شکوفایی گل، عشق به خداوند است: حُسن تعلیل **دستور** گل: نهاد / خندان: مسند / ضمیر «ش» می‌تواند دو نقش داشته باشد: (۱) مضاف‌الیه: رنگ‌های آن بی‌شمار است؛ (۲) متمم: رنگ‌های بی‌شمار برای آن وجود دارد.

(نهایی فردا ۱۴۰۲)

سؤال: در بیت زیر کدام آرایه دیده می‌شود؟

 گل از شوق تو خندان در بهار است / گل از شوق تو خندان در بهار است
 (۱) حسن تعلیل / (۲) تضمین / (۳) سجع / (۴) حس آمیزی

پاسخ: گزینه «۱»؛ شاعر علت شکوفایی گل را، اشتیاق به خداوند می‌داند.

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

سؤال: آرایه ادبی تشخیص را در بیت زیر نشان دهید.

 گل از شوق تو خندان در بهار است / گل از شوق تو خندان در بهار است
پاسخ: خندان و مشتاق بودن گل

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

سؤال: بیت زیر را به نثر روان معنی کنید.

 گل از شوق تو خندان در بهار است / گل از شوق تو خندان در بهار است
پاسخ: گل به دلیل اشتیاقی که به تو دارد، در فصل بهار شکفته می‌شود [او می‌خندد] و به همین علت است که رنگ‌های بی‌شماری دارد.

 جان: روح، آنچه به جسم حیات می‌بخشد.
 جان جان، آنچه به روح حیات می‌بخشد، اصل زندگی

هر آن وصفی که گویم، بیش از آنی / **یقین دانم که بی‌شک، جان جانی**
معنی هر گونه که بخواهم تو را توصیف کنم، باز هم تو بیشتر از بیان من هستی و مطمئن هستم که بدون تردید تو اصل حیات و زندگی هستی. **مفهوم** وصف‌ناپذیری خداوند / خداوند جوهره و ذات بشر است. **آرایه** جان و آن: جناس ناهمسان / تکرار صامت «ن»: واج‌آرایی / «جان» و «آن»: تکرار **دستور** «ی» در «آنی» و «جانی»: مخفف فعل «هستی» است.

نمی‌دانم، نمی‌دانم، الهی / **تو دانی و تو دانی، آنچه خواهی**
معنی خداوند، من چیزی نمی‌دانم و این تو هستی که همه چیز را می‌دانی و از آنچه می‌خواهی، آگاهی (دانای مطلق). **مفهوم** خداوند از همه چیز آگاه است و ما ناآگاهیم. **آرایه** «نمی‌دانم» و «تو دانی»: تکرار / تکرار صامت‌های «ن»، «د» و مصوت‌های «ی» و «ا»: واج‌آرایی / نمی‌دانم و دانی: تضاد **دستور** «چیزی» مفعول فعل «نمی‌دانم» در مصراع اول است که به قرینه معنایی حذف شده است. / «آنچه» مفعول فعل «خواهی» است.

آزمون ستایش (پاسخ در صفحه ۲۰۶)

سوالات با علامت  سخت‌ترین سوالات هر درس هستند. اگر به کم‌تر از ۲۰ را می‌نویسی، بعد از تسلط روی سوال‌های دیگره پرو سراغ اون‌ها.

قلمرو زبانی

واژه

معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

- ۱- به نام کردگار هفت افلاک
۲- الهی، فضل خود را یار ما کن
۳- تویی رزاق هر پیدا و پنهان
۴- زهی گویا ز تو کام و زبانم

املا

هر یک از ابیات زیر را بخوانید و در صورتی که نادرستی املائی دارند، تصحیح کنید.

- ۵- الهی فضل خود را یار ما کن ز رحمت یک نذر در کار ما کن (.....)
۶- چو در وقت بهار آیی پدیدار حقیقت پرده برداری ز رخسار (.....)
۷- فروق رویت اندازی سوی خاک عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک (.....)

دستور زبان

موارد زیر را براساس ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی مرتب کنید.

۸- تویی خلاق هر دانا و نادان

۹- تویی هم آشکارا هم پنهان

در موارد زیر نقش واژه مشخص شده، روبه‌روی آن آمده است. در صورت درستی، جای خالی را با «غ» پر کنید.

۱۰- که پیدا کرد آدم از کفی خاک = مفعول (.....)

۱۱- گل از شوق تو خندان در بهار است = مسند (.....)

قلمرو ادبی

جاهای خالی را به درستی پر کنید.

شعر ستایش با عنوان «به نام کردگار» از کتاب ۱۲ سروده ۱۳ و در قالب ۱۴ است.

۱۵- در بیت زیر آرایه تشخیص را نشان دهید.

گل از شوق تو خندان در بهار است از آتش رنگ‌های بی‌شمار است

۱۶- در بیت «تویی رزاق هر پیدا و پنهان / تویی خلاق هر دانا و نادان» قسمت مشخص شده چه آرایه‌ای دارد؟

قلمرو فکری

درک مطلب

۱۷- در بیت «هر آن وصفی که گویم بیش از آنی / یقین دانم که بی‌شک، جانِ جانی» منظور شاعر از «جانِ جان» چه کسی است؟

معنی و مفهوم

۱۸- بیت زیر را به نثر روان معنی کنید.

نمی‌دانم نمی‌دانم الهی تو دانی و تو دانی آنچه خواهی

بیشتر تمرین کنید (پاسخ در صفحه ۲۰۶)

قلمرو زبانی

۱۹- مترادف واژه مشخص شده را از داخل کمانک برگزینید.

الف) ای خرم از فروغ رخت لاله‌زار عمر (زهی / پرتو) ب) تا تو را خود ز میان با که عنایت باشد (نظر / بخشایش)

- (۱) تویی رزاق هر پیدا و پنهان
 (۲) زهی گویا ز تو، کام و زبانم
 (۳) به نام کردگار هفت افلاک
 (۴) گل از شوق تو خندان در بهار است

قلمرو ادبی

۲۱- کدام گزینه یادآور نام یکی از آثار عطار نیشابوری است؟

- (۱) صد نامه فرستادم و آن شاه سواران
 (۲) گر جمله یکی نامه شود عدل و سعادت
 (۳) ای نسخه نامه الهی که تویی
 (۴) مویت سفید و نامه اعمال شد سیاه
 پیکی ندوانید و سلامی نفرستاد
 آن نامه نیابد مگر از دست تو عنوان
 وی آینه جمال شاهی که تویی
 در توبه این قدر ز چه تأخیر می کنی؟

۲۲- در بیت زیر، شاعر چگونه آرایه تشخیص و کنایه را به هم آمیخته است؟

گل از شوق تو خندان در بهار است
 از آنش رنگ‌های بی‌شمار است

قلمرو فکری

۲۳- در بیت زیر، «پیدا و پنهان»، «دانا و نادان» تضاد دارند؛ منظور شاعر از هر یک از این تضادها چیست؟

تویی رزاق هر پیدا و پنهان
 تویی خلاق هر دانا و نادان

۲۴- مفهوم مشترک ابیات زیر چیست؟

- هر آن وصفی که گویم، بیش از آنی
 آخر چه بلایی تو که در وصف نیایی
 یقین دانم که بی شک، جان جانی
 بسیار بگفتیم و نکردیم بیانت

۲۵- در بیت زیر، هدف شاعر از تکرار جملات چیست؟

نمی‌دانم، نمی‌دانم، الهی
 تو دانی و تو دانی، آنچه خواهی



فصل یکم

ادبیات تعلیمی

گونه‌شناسی

- ❖ **ادبیات تعلیمی چیست؟** گاهی شاعر یا نویسنده، موضوع و مفهومی رفتاری، اخلاقی یا مسئله‌ای اجتماعی و پندآموز را به شیوه‌ی اندرز بازگو می‌کند و برای این منظور از داستان یا حکایت در قالب شعر و نثر بهره می‌گیرد؛ این‌گونه آثار را «ادبیات تعلیمی» می‌نامند.
- ❖ **هدف و موضوع آثار تعلیمی چیست؟** اثر تعلیمی، اثری است که با هدف آموزش و تعلیم، موضوع‌هایی از حکمت، اخلاق، مذهب یا دانشی از معارف بشری را بیان می‌کند.
- ❖ **برای جذابیت بیشتر آثار تعلیمی از چه رویکردی می‌توان بهره گرفت؟** آثار تعلیمی می‌توانند تخیلی - ادبی باشند تا مسئله‌ای را به صورت روایی یا نمایشی با جذابیت بیشتر ارائه دهند. از این‌گونه آثار ادبی، به‌ویژه در کتاب‌های درسی و ادبیات کودک و نوجوان بهره می‌گیرند.
- ❖ **چند نمونه از آثار ادبیات تعلیمی را نام ببرید.** قابوس‌نامه، کلیله و دمنه، گلستان سعدی، بوستان سعدی و مثنوی معنوی مولوی نمونه‌هایی از ادبیات تعلیمی‌اند و برخی آثار طنز نیز جنبه‌ی تعلیمی دارند.

(نویس فرداد ۱۴۰۲)

❖ **سؤال:** یک اثر در زمینه‌ی ادبیات تعلیمی ذکر کنید.

❖ **پاسخ:** قابوس‌نامه، کلیله و دمنه، گلستان، بوستان، مثنوی معنوی مولوی (ذکر یک مورد کافی است).

شعر «چشمه» سروده «نیما یوشیج» (علی اسفندیاری) و در قالب «مثنوی» است.

ماجرای این درس ...

تا حالا فکر کردی یک چشمه چه ویژگی‌هایی داره؟ مثلاً زلال و روشنه، هر جا باشه اونجا پُر از گل و سبزه میشه و فلابه زنگی رو به همراه خودش میاره. اما همین چشمه با تمام زیبایی‌ها و ویژگی‌هاش به دریا که می‌رسه ...؟!

گشت یکی چشمه ز سنگی جدا / غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزی

معنی چشمه‌ای پُرشور، زلال (یا خودنما) و شتابنده از سنگی جدا و جاری شد. **مفهوم** چابکی و جلوه‌گری
آرایه غلغله‌زن و تیزی بودن چشمه: تشخیص / چشمه (در این شعر): نماد انسان‌های مغرور و خودپسند /
 چهره‌نما: کنایه از خودنما / تیزی: کنایه از شتابان **دستور** صورت مرتب‌شده اجزای جمله: یک چشمه غلغله‌زن،
 چهره‌نما و تیزی از سنگی جدا گشت. / چشمه: نهاد / جدا: مسند / گشت: فعل اسنادی

غلغله‌زن، شور و غوغاکنان

چهره‌نما: (در مورد آب) زلال، شفاف، آنچه از شفافیت، چهره در آن نمایان باشد؛ کنایه از جلوه‌گر، خودنما
 تیزی: تندرو، تیزرو

گاه به دهان، برزده کف، چون صدف / گاه چو تیری که رود بر هدف

معنی گاه کفی چون صدف بر رویش قرار می‌گرفت و گاه مانند تیری که به سوی هدف می‌رود به سرعت حرکت می‌کرد. **مفهوم** سرعت حرکت **آرایه** دهان داشتن چشمه: تشخیص / تعبیر اول: «کف چون صدف»: تشبیه (کف: مشبه؛ چون: ادات تشبیه؛ صدف: مشبه‌به) / تعبیر دوم: «(چشمه) چون صدف، کف بر دهان می‌زد»: چشمه: مشبه؛ چون: ادات تشبیه؛ صدف: مشبه‌به؛ کف بر دهان زدن: وجه‌شبهه / «(چشمه) چو تیری که رود بر هدف»: تشبیه (چشمه: مشبه؛ چو: ادات تشبیه؛ تیری که رود بر هدف: مشبه‌به) / تکرار صامت‌های «د»، «ر»: واج‌آرایی / صدف و هدف: جناس ناهمسان / تیر و هدف: تناسب **دستور** صورت مرتب‌شده اجزای جمله: گاه چون صدف به دهان کف [ر]ا برزده (یا: کف [ر]ا) چون صدف به دهان برزده) و گاه چو تیری که بر هدف رود. / فعل «بود» به قرینه معنایی حذف شده است: گاه چون صدف به دهان کف برزده [بود] و گاه چو تیری که به هدف رود [بود].

گفت: در این معرکه، یکتا منم / تاج سر گلبن و صحرا منم

معنی گفت: در این عالم، من یگانه هستم و مایه افتخار گل و گلزارم. **مفهوم** غرور و تکبر و ادعای یکتایی
آرایه «چشمه» خود را به «تاج سر» تشبیه کرده است. / معرکه: مجاز (استعاره) از عالم / تاج بر سر داشتن گلبن و صحرا: تشخیص / تاج سر: کنایه از مایه افتخار و بزرگی / گلبن و صحرا: تناسب / در و سر: جناس ناهمسان **دستور**
 این: وابسته پیشین از نوع صفت اشاره / منم: مخفف «من هستم»

معرکه: میدان جنگ، جای نبرد

گلبن: بوته یا درخت گل، به ویژه بوته گل سرخ

سؤال: معنای واژه مشخص شده را بنویسید.

«تاج سر گلبن و صحرا منم»

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

پاسخ: گلبن: بوته یا درخت گل، به ویژه بوته گل سرخ

چون بدوم، سبزه در آغوش من / بوسه زند بر سر و بر دوش من

معنی وقتی جاری می‌شوم، سبزه در کنارم، سر و دوشم را می‌بوسد (یعنی سبزه در کنار من می‌روید).
مفهوم خودستایی و غرور **آرایه** «دویدن چشمه»، «آغوش و سر و دوش داشتن چشمه» و «بوسه زدن سبزه»: تشخیص / آغوش، سر و دوش: مراعات‌نظیر / «در»، «بر» و «سر»: جناس ناهمسان **دستور** صورت مرتب‌شده اجزای جمله: چون بدوم، سبزه در آغوش من، بر سر و دوش من بوسه می‌زند.

شکن: پیچ و خم زلف

چون بگشایم ز سر مو شکن / ماه ببیند رخ خود را به من

معنی وقتی امواج پر پیچ و تاب گیسوانم را از مقابل چهره کنار می‌زنم و ساکن می‌شوم، [آن قدر زلالم که] ماه روی خود را در من می‌بیند. **مفهوم** خودستایی و غرور **آرایه** «موگشادن چشمه» و «رخ داشتن و دیدن ماه»: تشخیص / مو: مجاز (استعاره) از امواج / شکن گشودن از سر مو: کنایه از صاف و مسطح شدن / «مو و شکن»، «مو و رخ»: تناسب / ماه: نماد زیبایی **دستور** صورت مرتب‌شده اجزای جمله: چون ز سر مو، شکن بگشایم، ماه رخ خود را به من می‌بیند. / «شکن» مفعول مصراع اول و «رخ خود» مفعول مصراع دوم است.

قطره باران که درافتد به خاک / زو بدمد بس گهر تابناک،

در بر من، ره چو به پایان برد / از خجلی سر به گریبان برد

معنی قطره بارانی که وقتی به روی خاک می‌افتد، گل‌ها و گیاهان همچون گوهر درخشان از آن می‌روید، زمانی که در انتهای راهش به من برسد، از شرمندگی سر را پایین می‌اندازد. **مفهوم** خودستایی و غرور

گهر: گوهر، جواهر / تابناک: درخشان
 خجل: شرمنده / گریبان: یقه

۱. توضیحات کامل را در ایستگاه آرایه همین درس بخوانید.

آرایه خاک: مجاز از زمین / گهر: مجاز (استعاره) از گل و گیاه / سر به گریبان بردن: کنایه از پنهان شدن یا شرمندگی (البته در اینجا فقط در معنی اول، قابل قبول است، چون «خجلی» در جمله آمده است.) / سر به گریبان بردن قطره: تشخیص / «در»، «بر» و «سر»: جناس ناهمسان **دستور** صورت مرتب‌شده بیت اول: قطره باران که به خاک درافتد، بس گهر تابناک زو بدمد. / «گهر تابناک» نهاد مصراع دوم است.

سؤال: نوع ترکیب (وصفی - اضافی) را مشخص کنید. «گهر تابناک» (نهایی فرورد ۱۴۰۲)

پاسخ: وصفی

سؤال: با توجه به گزینه‌ها آرایه درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. (نهایی فرورد ۱۴۰۲)

قطره باران که درافتد به خاک / زو بدمد بس گهر تابناک (استعاره/ جناس)

پاسخ: استعاره (گهر: استعاره از گل و گیاه)

سؤال: در بیت زیر، آرایه نوشته‌شده در مقابل آن را بیابید و مفهوم آن را بنویسید. (برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

قطره باران که درافتد به خاک / زو بدمد بس گهر تابناک (استعاره)

پاسخ: گهر: استعاره از گل و گیاه

ابر ز من حامل سرمایه شد / باغ ز من صاحب پیرایه شد پیرایه: زیور و زینت

معنی ابر سرمایه خود را که باران است، از من می‌گیرد و باغ از من صاحب زیبایی و زینت می‌شود. **مفهوم** غرور و خودستایی **آرایه** سرمایه: مجاز (استعاره) از قطره‌های باران / پیرایه: مجاز (استعاره) از گل‌ها و سبزه‌ها و میوه‌ها / سرمایه‌داشتن ابر و «پیرایه‌بستن باغ»: تشخیص

سؤال: معنای واژه مشخص‌شده را بنویسید. «باغ ز من صاحب پیرایه شد» (برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

پاسخ: پیرایه: زیور، زینت

گل به همه رنگ و برازندگی / می‌کند از پرتو من زندگی برازندگی: شایستگی، لیاقت

پرتو: فروغ و روشنایی

معنی گل با وجود آن همه زیبایی و شایستگی، حیات خود را از روشنایی وجود من گرفته است. **مفهوم** غرور و خودستایی **آرایه** تکرار صامت‌های «ن»، «گ»: واج‌آرایی / گل: نماد زیبایی و لطافت / پرتو: مجاز (استعاره) از لطف و تأثیر **دستور** کل بیت یک جمله است و صورت مرتب‌شده آن به این شکل است: گل به همه رنگ و برازندگی، از پرتو من زندگی می‌کند.

سؤال: مفهوم کلی بیت «گل به همه رنگ و برازندگی / می‌کند از پرتو من زندگی» کدام است؟ (برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(۱) غرور (۲) تواضع و فروتنی

پاسخ: گزینه «۱» یعنی «غرور» صحیح است.

در بن این پرده نیلوفری / کیست کند با چو منی همسری؟ نیلوفری: صفت نسبی، منسوب به نیلوفر، به رنگ نیلوفر، لاجوردی؛ «پرده نیلوفری»: آسمان لاجوردی

بن: زیر، عمق، انتها، اساس، بنیاد
همسری: برابری

معنی در زیر این آسمان لاجوردی (در روی زمین) هیچ کسی نمی‌تواند با من برابری کند. **مفهوم** خودبرتربینی (مفاخره) **آرایه** پرده نیلوفری: مجاز (استعاره) از آسمان لاجوردی / همسری کردن: کنایه از برابری کردن **دستور** صورت مرتب‌شده اجزای جمله: چه کسی در بن این پرده نیلوفری وجود دارد [که] با چو منی همسری کند؟ **دانش ادبی** «مصراع دوم» پرسش انکاری دارد: هیچ کس نمی‌تواند با من برابری کند.

سؤال: با توجه به بیت «در بن این پرده نیلوفری / کیست کند با چو منی همسری» به پرسش‌های زیر پاسخ دهید. (برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

الف) «پرده نیلوفری» استعاره از چیست؟ ب) «همسری کردن» کنایه از چیست؟

پاسخ: الف) آسمان ب) برابری کردن

زین نَمَط آن مست‌شده از غرور / رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور نَمَط: روش، طریقه؛ زین نمط: بدین ترتیب

مبدأ: ابتدا، آغاز

معنی او (چشمه) که از غرور مست شده بود، به همین شیوه حرکت کرد و زمانی که کمی از آغاز مسیر دور شد. **آرایه** مست از غرور شدن چشمه: تشخیص / مست‌شدن از غرور: کنایه از نهایت تکبر **دستور** صورت مرتب‌شده اجزای جمله: از این نمط آن مست‌شده از غرور رفت و چون کمی از مبدأ دور شد ...

سؤال: املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. (برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

زین (نمط/ نمت) آن مست‌شده از غرور / رفت و ز (مبدع/ مبدأ) چو کمی گشت دور

پاسخ: «نمط» و «مبدأ» صحیح است.

دید یکی بحر خروشندهای / سهمگنی، نادره جوشندهای بحر: دریا، سهمگن، سهمگین، ترس آور

نادره: بی‌همتا، شگفت‌آور

معنی دریای خروشان را دید که ترس آور، کم‌نظیر و جوشان بود. **مفهوم** دیدن ابهت و شکوه

آرایه تکرار صامت «ن»: واج آرایبی / خروشدین بحر: تشخیص / بحر (= دریا): نماد عظمت **دستور** صورت مرتب‌شده بیت: یک بحر خروشنده، سهمگین و جوشنده نادره‌ای [را] دید. / این بیت، از نظر دستوری وابسته بیت قبل است؛ بنابراین، این دو بیت موقوف‌المعانی‌اند.

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

سؤال: معنای واژه مشخص شده را بنویسید.
دید یکی بحر خروشنده‌ای

سهمگنی، نادره جوشنده‌ای

پاسخ: سهمگن: سهمگین، ترس‌آور

نعره برآورده، فلک کرده گر دیده سیه کرده، شده زهره‌در

نعره، فریاد

فلک، آسمان

زهره‌در (زهره‌درنده)، کنایه از بسیار ترسناک

معنی فریادش آن قدر بلند بود که گوش آسمان را کر کرده بود و موجب ترس و واهمه فراوان شده بود. **مفهوم** ابهت و شکوه **آرایه** «نعره‌برآوردن دریا» و «کردن فلک»: تشخیص / کر کردن فلک: کنایه از صدای بسیار بلند داشتن / «سیاه کردن دیده» و «زهره‌در شدن»: کنایه از موجب ترس و واهمه فراوان شدن / **نگاهی به آینده** کر کردن فلک، سیاه کردن دیده و زهره‌در شدن: اغراق / تکرار صامت‌های «ر» و «ک» و مصوت کوتاه «ی» (ه غیر ملفوظ): واج آرایبی صورت مرتب‌شده بیت: نعره برآورده، فلک [را] کر کرده؛ دیده سیه کرده و زهره‌در شده. / فعل کمکی «بود» به قرینه معنایی حذف شده است: نعره برآورده [بود]، فلک کر کرده [بود]، دیده سیه کرده [بود] زهره‌در شده [بود].

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

سؤال: بیت زیر را به نثر روان معنی کنید.

نعره برآورده فلک کرده کر دیده سیه کرده شده زهره‌در

پاسخ: فریادش آن قدر بلند بود که گوش آسمان را کر کرده بود و موجب ترس و واهمه فراوان شده بود.

راست به مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل یله

یله، رها، آزاد؛ یله‌دادن، تکیه‌دادن

معنی [دریا] درست مانند زمین‌لرزه‌ای، بدنش را بر روی ساحل رها کرده بود (منظور موج‌های دریاست که روی ساحل رها می‌شدند). **مفهوم** مهابت و شکوه **آرایه** «(بحر) به مانند یکی زلزله»: تشبیه (بحر: مشبه؛ به مانند: ادات تشبیه؛ زلزله: مشبه‌به) / «تن دریا» و «تن ساحل» و «یله‌دادن دریا»: تشخیص / تن: تکرار **دستور** راست: قید / فعل کمکی «بود» بعد از «داده» به قرینه معنایی حذف شده است: داده [بود] / صورت مرتب‌شده بیت: راست به مانند یکی زلزله، تنش [را] بر تن ساحل یله داده [بود].

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

سؤال: نقش دستوری واژه مشخص شده را بنویسید.

پاسخ: قید

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

سؤال: معنای واژه مشخص شده را بنویسید.

پاسخ: یله، رها، آزاد؛ یله‌دادن: تکیه‌دادن

چشمه کوچک چو به آنجا رسید وان همه هنگامه دریا بدید،

هنگامه: غوغا، داد و فریاد، شلوغی

معنی وقتی چشمه کوچک به آنجا رسید و آن همه آشوب و غوغای دریا را دید، **مفهوم** تقابل و رویارویی بزرگی و کوچکی **آرایه** «دیدن چشمه» و «هنگامه دریا»: تشخیص / چشمه و دریا: تضاد

خواست کز آن ورطه قدم درکشد خویشان از حادثه برتر کشد

ورطه: گرداب، گودال، مهلکه، گرفتاری

معنی خواست که از آن مهلکه بیرون بیاید و خود را از آن حادثه نجات دهد. **مفهوم** هراسیدن و عقب‌نشینی **آرایه** «قدم درکشیدن» و «خویشان را برتر کشیدن»: کنایه از رها کردن (خود) / قدم درکشیدن و خویشان برتر کشیدن چشمه: تشخیص **دستور** قدم: مفعول / خویشان: مفعول

لیک چنان خیره و خاموش ماند کز همه شیرین‌سخنی، گوش ماند

لیک: اقا

خیره: سرگشته، حیران، فرومانده

معنی اقا چنان مات و مبهوت و ساکت ماند که با آن همه خوش‌زبانی دیگر حرفی برای گفتن نداشت. **مفهوم** سکوت از سر حیرت **آرایه** خیره و خاموش ماندن و شیرین‌سخنی چشمه: تشخیص / شیرین‌سخنی: حس آمیزی و کنایه از زیبا سخن گفتن / گوش‌ماندن: کنایه از ساکت‌شدن / گوش: مجاز از انسان شنونده

سؤال: آرایه ادبی کدام گزینه در بیت «لیک چنان خیره و خاموش ماند / کز همه شیرین‌سخنی گوش ماند» وجود ندارد؟

(۱) حس آمیزی (۲) کنایه (۳) مجاز (۴) تشبیه (برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

پاسخ: گزینه «۴» یعنی «تشبیه». (برای بررسی سایر آرایه‌ها به توضیحات بیت مراجعه کنید.)

حس آمیزی در عالم واقع، بوی خوش را با بینی حس می‌کنیم، تصویر زیبا را با چشم می‌بینیم و گرمی و سردی چیزی را با حس لامسه درک می‌کنیم؛ اما در بیان شاعرانه همه چیز به هم آمیخته می‌شود. گاهی شاعر یا نویسنده خوش ذوق بو را می‌شنود! گاهی عشق در نظرش گرم است! و گاهی برای شعر و کلام مزه قائل می‌شود:

به ترانه‌های شیرین، به بهانه‌های زرین بکشید سوی خانه، مه خوب خوش‌لقا را مولوی

تعریف حس آمیزی: آمیختن دو یا چند حس در کلام (یا نسبت‌دادن یک صفت حسی به یک مفهوم غیرحسی) است، به گونه‌ای که به تأثیر سخن بیفزاید و سبب زیبایی آن شود. در اشعار زیر حس آمیزی را مشخص کنید:

۱ حرف‌هایم مثل یک تگه چمن روشن بود. سهراب سپهری

۲ چندان که هیاهوی سبز بهاری دیگر / از فراسوی هفته‌ها به گوش آمد احمد شاملو

۳ با من بیا به خیابان / تا بشنوی بوی زمستانی که در باغ رخنه کرده است سلمان هراتی

۴ آشنا هستم با / سرنوشت تر آب / عادت سبز درخت سهراب سپهری

در مثال اول، سهراب سپهری «روشنی» را به «حرف» نسبت داده است و دو حس «بینایی» و «شنوایی» را به هم آمیخته است. در مثال دوم نسبت‌دادن صفت «سبز» به «هیاهو»، یعنی آمیختن دو حس «بینایی» و «شنوایی». در مثال سوم نیز شاعر «بوی» زمستان را «می‌شنود»؛ یعنی آمیختن «بویایی» و «شنوایی». در مثال چهارم سهراب سپهری به «سرنوشت»، «تربودن» را نسبت داده است و چون سرنوشت از مقوله حس نیست، تردانستن آن حس آمیزی است؛ همچنین نسبت‌دادن صفت «سبز» به «عادت» حس آمیزی است.

نکته: گاهی فعلی که با یک حس متناسب نیست، سبب ایجاد حس آمیزی می‌شود (صدا را دیدن یا بو را شنیدن)؛ گاهی صفتی که با آن حس متناسب نیست، حس آمیزی را شکل می‌دهد (صدای گرم، خنده تلخ، کلام رنگین و ...) و گاهی هم به چیزی که اصلاً با هیچ حسی متناسب نیست، یعنی مربوط به ادراک است، صفت حسی نسبت می‌دهیم و حس آمیزی می‌سازیم (عشق شیرین، عشق گرم و ...).

مجاز به ابیات زیر دقت کنید، آیا هر کدام از کلمات مشخص شده در معنی حقیقی خود به کار رفته‌اند؟

- | | |
|--|--|
| ۱ دل عالمی بسوزی چو عذار (=چهره) برفروزی | تو از این چه سود داری که نمی‌کنی مدارا حافظ |
| ۲ بدان آهن که او سنگ آزمون کرد | تواند بیستون را بی‌ستون کرد نقابی |
| ۳ سپید شد چو درخت شکوفه‌دار سرم | وزین درخت همین میوه غم است برم باهی |
| ۴ پیش دیوار آنچه گویی، هوش دار | تا نباشد در پس دیوار، گوش سعدی |
| ۵ خسروی کار گدایی کی بود؟ | این به بازوی چو مایی کی بود؟ عطار |
| ۶ محتاج قصه نیست گرت قصد خون ماست | چون زخت از آن توست، به یغما چه حاجت است؟ حافظ |
| ۷ گر شی ماه من از ابر نقاب آید برون | دیگر از شرمش عجب گر آفتاب آید برون عمادالدین نسیمی |

در بیت اول آیا مقصود از «عالم»، جهان و هستی است یا مردم جهان؟ در این بیت، شاعر از معنی حقیقی «عالم» صرف نظر کرده و معنی دیگری مورد نظرش بوده است. در بیت دوم نیز «آهن» در خارج از معنی حقیقی خود، به کار رفته و مقصود شاعر تیشه است که فرهاد با آن کوه بیستون را می‌کند است؛ یعنی شاعر، جنس و ماده سازنده تیشه را گفته و منظورش تیشه بوده است.

در بیت سوم «سر» در معنی مجازی به کار رفته است، زیرا مقصود جامی فقط موهای سرش بوده که سفید شده است، نه کل سرش. در بیت چهارم مقصود سعدی از «گوش» چه بوده است؟ آیا عضوی که با آن می‌شنویم؟ خیر؛ مقصود شاعر کسی است که دارد پنهانی به حرف‌های دیگران گوش می‌دهد یا به تعبیر خودمانی گوش ایستاده است.

در بیت پنجم منظور از «بازو» بخشی از دست نیست؛ بلکه شاعر از این کلمه، معنای «قدرت» را استنباط کرده است. در بیت ششم آیا «خون» در معنای اصلی خودش به کار رفته؟ آیا قصد خون کسی را می‌کنند یا قصد «جان» او را؟ بله؛ «خون» در معنای جان به کار رفته است و بالاخره در بیت هفتم شاعر به جای آن که از واژه «ماه» معنی حقیقی آن را قصد کند، آن را در معنی چهره بار خود به کار می‌برد.

هرگاه لفظی را در غیر معنی اصلی و حقیقی‌اش (منظور از معنی حقیقی، همان است که در لغت‌نامه‌ها آمده است) به کار ببریم، آرایه مجاز ایجاد می‌شود. البته باید دقت داشته باشید که نمی‌توانیم از هر لفظی هر معنایی برداشت کنیم و باید بین معنی حقیقی و مجازی رابطه‌ای برقرار باشد؛ مثلاً اگر بگوییم آهن و منظورمان تیشه باشد، رابطه بین معنی حقیقی و مجازی جنس آن است، یعنی چون جنس تیشه از آهن است، شاعر به جای تیشه گفته است آهن. این رابطه می‌تواند صورت‌های مختلفی داشته باشد؛ مانند اینکه:

- | | |
|--|---|
| ۱ محل چیزی به جای خود آن چیز بیاید: «عالم» در بیت نخست | ۲ جنس یک چیز به جای خود آن به کار برود: «آهن» در بیت دوم |
| ۳ تمام یک چیز به جای جزئی از آن بیاید: «سر» در بیت سوم | ۴ جزئی از یک چیز به جای تمام آن به کار برود: «گوش» در بیت چهارم |
| ۵ سبب چیزی جان‌شین خود آن چیز بشود: «بازو» در بیت پنجم | |

۶ چیزی به دلیل همراهی همیشگی با چیزی به جای آن به کار برود: «خون» در بیت ششم

۷ مشابهت میان دو چیز در ذهن شاعر یا نویسنده به قدری زیاد باشد که یکی را به جای دیگری به کار ببرد: «ماه» در بیت هفتم

این نوع مجاز به قدری مهم است که به آن نام جداگانه‌ای هم نسبت داده‌اند: استعاره. با استعاره که از مهم‌ترین آرایه‌های ادبی است در درس‌های آینده آشنا خواهید شد.

توجه: به مجاز با رابطه مشابهت «استعاره» می‌گویند و معمولاً از لفظ مجاز برای این مورد استفاده نمی‌کنند.

ایستگاه دستور

ساختمان جمله و اجزای آن

شما اجزای جمله را می‌شناسید. «نهاد»، «مفعول»، «متمم»، «مسند» و «فعل» اسم‌های آشنایی برای شما هستند. این نقش‌ها ساختمان جمله را تشکیل می‌دهند و هر کدام جایگاه مشخصی دارند. برای مثال «نهاد» به طور عادی در ابتدای جمله قرار می‌گیرد، فعل در انتهای جمله؛ و سایر اجزا بین این دو. «مفعول» را با نشانه «را» و یا در جواب به سؤال «چه چیزی را؟» یا «چه کسی را؟» تشخیص می‌دهیم. قبل از «متمم»، حرف اضافه قرار می‌گیرد و «مسند» قبل از فعل اسنادی می‌آید. «قید»ها هم می‌توانند جزء اجزای جمله باشند که البته برخلاف بقیه نقش‌ها، جایگاه ثابتی ندارند. به چند مثال زیر توجه کنید:

درختان خوابیدند. نهاد فعل
داستان‌های شاهنامه خواندنی هستند. نهاد مسند فعل اسنادی

پدر من از چیزی نمی‌ترسد. نهاد متمم فعل
شاید حرف‌های من را درست نشنیده باشد. (نهاد: او محذوف) قید مفعول قید فعل

چرا گاهی اجزای جمله جابه‌جا می‌شوند؟ یاد گرفتیم و می‌دانیم که هر کدام از اجزای جمله جایگاه مخصوص خود را دارند؛ مثلاً نهاد اغلب ابتدای جمله قرار می‌گیرد و فعل انتهای آن؛ اما گاهی مثل بیت اول درس «چشمه» این اجزا جابه‌جا می‌شوند. نهاد ناگهان می‌رود آخر جمله؛ فعل می‌آید اول جمله و بقیه اجزا هم نظم خودشان را فراموش می‌کنند.

در زبان ادبیات به دلایلی شاعر یا نویسنده اجازه دارد که گاهی این نظم را به هم بریزد. گاهی به خاطر وزن در شعر و گاهی برای تأکیدهای معنایی. سختی کار ما هم، همین جابه‌جایی‌ها است؛ اما اصلاً نگران نباشید.

شما که نقش‌ها را شناخته‌اید و می‌توانید آنها را در جمله با نشانه‌های خاص تشخیص دهید، با کمی دقت با وجود جابه‌جا شدنشان هم می‌توانید آنها را پیدا کنید؛ مثلاً در مصراع «گشت یکی چشمه ز سنگی، جدا»، فعل «گشت» اسنادی است؛ پس حتماً جمله «مسند» دارد که در جواب «چی + گشت» می‌آید ← جدا. می‌دانیم «ز» همان «از» است و حرف اضافه؛ پس «سنگی» که بعد از آن آمده «متمم» است. فعل «گشتن» هم به «یکی چشمه» برمی‌گردد که «نهاد» است؛ بنابراین شکل منظم جمله به این صورت است: یکی چشمه (یک چشمه‌ای) از سنگی جدا گشت.

کارگاه متن‌پژوهی

قلمرو زبانی

۱ معنای واژه‌های مشخص شده را با معادل امروزی آنها مقایسه کنید.

در بن این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری؟

پاسخ: همسری؛ در متن به معنی «برابری» و امروزه به معنی «ازدواج» است.

راست به مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل یله

پاسخ: راست؛ در متن به معنی «دقیقاً» و امروزه به معنی «سمت راست یا سخن درست» است.

۲ بیت زیر را براساس ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی، مرتب کنید.

«گشت یکی چشمه ز سنگی جدا غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا»

این سؤال دقیقاً از ما چی می‌خواد؟

منظور از «ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی» اینست که جمله معمولی در زبان فارسی چه شکلیه؟ در یک جمله معمولی ما می‌گوییم «من آمدم»؛ نمی‌گوییم «آدم من»، یا مثلاً می‌گوییم «من کتاب را خریدم» نمی‌گوییم «خریدم من کتاب را». پس وقتی فعل، آخر جمله می‌اد و انجام‌دهنده اون فعل (نهاد) اول جمله می‌اد و باقی اجزا، بین اینها، «ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی» رعایت شده؛ حالا بریم سراغ سؤال 😊

پاسخ: «یک چشمه غلغله‌زن، چهره‌نما و تیزپا از سنگی جدا گشت.»

واسته پیشین هسته وابسته پسین وابسته پسین وابسته پسین حرف متمم مسند فعل
صفت شمارشی صفت بیانی صفت بیانی صفت بیانی اضافه
نهاد گزاره



۱ هر یک از بیت‌های زیر را از نظر آرایه‌های ادبی بررسی کنید.

چون بگشایم ز سر مو، شکن ماه ببیند رخ خود را به من
پاسخ: «موشگشادن چشمه» و «رخ داشتن و دیدن ماه»: تشخیص / مو: مجاز (استعاره) از امواج / «مو و شکن»، «مو و رخ»: تناسب / شکن گشودن از سر مو: کنایه از صاف و مسطح شدن

گه به دهان برزده کف چون صدف گاه چو تیری که رود بر هدف
پاسخ: دهان داشتن چشمه: تشخیص / کف چون صدف یا چشمه چون صدف: تشبیه / [چشمه] چو تیری که رود بر هدف: تشبیه / تکرار صامت‌های «د»، «ر»: واج‌آرایی / صدف و هدف: جناس ناهمسان

۲ با توجه به شعر نیما، «چشمه» نماد چه کسانی است؟

پاسخ: نماد انسان‌های مغرور و خودپسند

۳ آمیختن دو یا چند حس و یا یک حس با پدیده‌ای ذهنی (انتزاعی)، در کلام را «حس آمیزی» می‌گویند. نمونه: «حرف‌هایم مثل یک تکه چمن روشن بود». در این نمونه، سپهری از «روشن بودن حرف» سخن گفته است. «روشن بودن» امری دیدنی و «حرف»، شنیدنی است. شاعر در این مصراع، دو حس بینایی و شنوایی را با هم آمیخته است.

نمونه‌ای از کاربرد این آرایه ادبی را در سروده نیما بیابید.

پاسخ: در مصراع «کز همه شیرین سخنی گوش ماند» عبارت «شیرین سخنی» حس آمیزی است. «شیرین»، چشیدنی و «سخن» شنیدنی است.

(نهایی فرداد ۱۴۰۲)

سؤال: حس آمیزی را در بیت زیر نشان دهید.

با من به سلام خشک ای دوست زبان تر کن تا از مژه هر ساعت لعل تـرّت افشانم

پاسخ: ترکیب «سلام خشک» حس آمیزی دارد. («سلام» شنیدنی یا انتزاعی است و «فشک» لمس‌کردنی است).

۴ هر واژه امکان دارد در معنای حقیقی و یا معنای غیرحقیقی به کار رود. به معنای حقیقی واژه، «حقیقت» و به معنای غیرحقیقی آن، «مجاز» می‌گویند. «حقیقت»، اولین و رایج‌ترین معنایی است که از یک واژه به ذهن می‌رسد. «مجاز» به کار رفتن واژه‌ای است در معنی غیرحقیقی؛ به شرط آنکه میان معنای حقیقی و معنای غیرحقیقی واژه، ارتباط و پیوندی برقرار باشد؛ مثال:

پشت دیوار آنچه گویی، هوش دار تا نباشد در پس دیوار، گوش^۱ سعری

معنی: مراقب آنچه در پشت دیوار به طور پنهانی می‌گویی باش؛ مبدا شخصی آن‌جا باشد و سخنان تو را بشنود. **مفهوم:** با احتیاط سخن گفتن

آرایه: این بیت دارای تمثیل است و یادآور ضرب‌المثل «دیوار موش دارد، موش هم گوش دارد». / گوش: مجاز از انسان سخن‌چین / هوش و گوش: جناس ناهمسان / دیوار: تکرار

همان‌طور که می‌دانید «گوش» اندام شنوایی است و در این معنا، «حقیقت» است و نمی‌تواند در پس دیوار بیاید؛ شاعر در این بیت به مفهوم مجازی «گوش»، یعنی «انسان سخن‌چین» تأکید دارد.

اکنون به دو بیت زیر توجه نمایید:

ما را سر باغ و بوستان نیست هر جا که تویی تفرّج آنجاست سعری

تفرّج: گردش، گشادگی خاطر از غم و اندوه

معنی: ما قصد رفتن به باغ و بوستان را نداریم؛ هر جا که تو هستی، گشادگی خاطر ما از غم و اندوه، آنجاست. **مفهوم:** آسودگی خاطر، در با تو بودن است. **آرایه:** سر: مجاز از قصد و اندیشه / باغ و بوستان: تناسب / سر و هر: جناس ناهمسان **دستور:** «را»:

حرف اضافه به معنی «برای» (برای ما سر باغ و بوستان نیست = سر یا قصد رفتن به باغ و بوستان نداریم).

(نهایی فرداد ۱۴۰۲)

سؤال: مجاز را در بیت زیر نشان دهید.

ما را سر باغ و بوستان نیست هر جا که تویی تفرّج آنجاست

پاسخ: سر: مجاز از قصد و اندیشه

عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت فتنه‌انگیز جهان، نرگس جادوی تو بود حافظ
معنی: جهان از شور عشق بی‌خبر بود؛ آنچه در جهان فتنه و آشوب بر پا کرد، چشم افسونگر تو بود. **مفهوم:** زیبایی چشم تو تمام آفرینش را شیفته خود کرد. / عشق فتنه‌انگیز است. **آرایه:** نرگس: مجاز (استعاره) از چشم / چشم یار، عالم را به آشوب کشانده است: اغراق / تکرار صامت «ش» در مصراع اول: واج‌آرایی / فتنه‌انگیز بودن چشم (نرگس): تشخیص

در بیت اول، واژه «سر» در مفهوم مجازی «قصد و اندیشه» به کار رفته است. «سر» محل و جایگاه «اندیشه» است.

در بیت دوم، مقصود شاعر از واژه «نرگس»، معنایی غیرحقیقی یعنی «چشم» است. آنچه که «گل نرگس» و «چشم» را به هم می‌پیوندد و اجازه می‌دهد تا یکی به جای دیگری به کار رود، «شبهات» میان آن دو است. به این نوع مجاز، در اصطلاح ادبی «استعاره» می‌گویند. در درس پنجم با آن بیشتر آشنا خواهید شد.

۱. صورت صحیح این بیت براساس نسخه‌های معتبر به این صورت است:

پیش دیوار آنچه گویی، هوش دار تا نباشد در پس دیوار، گوش

در شعر این درس، دو نمونه «مجاز» بیابید و مفهوم هر یک را بنویسید.

پاسخ:

- ۱ چون بگشایم ز سر مو شکن
ماه ببیند رخ خود را به من
مو: مجاز از امواج
- ۲ قطره باران که درافتد به خاک
خاک: مجاز از زمین / گهر: مجاز از گل و گیاه
- ۳ در بن این پرده نیلوفری
پرده نیلوفری: مجاز از آسمان لاجوردی
- ۴ لیک چنان خیره و خاموش ماند
کز همه شیرین‌سخنی گوش ماند
گوش: مجاز از انسان شنونده

قلمرو فکری

۱ پس از رسیدن به دریا، چه تغییری در نگرش و نحوه تفکر «چشمه» ایجاد شد؟

پاسخ: عظمت دریا را دریافت و به ناچیزبودن خود پی برد.

۲ معنی و مفهوم بیت زیر را به نثر روان بنویسید.

«نعره برآورده، فلک کرده کر دیده سیه کرده، شده زهره‌در»

پاسخ: معنی [دریا] فریادش آن قدر بلند بود که گوش آسمان را کر کرده بود و موجب ترس و واهمه فراوان شده بود. مفهوم ابهت و شکوه دریا

۳ سروده زیر از سعدی است، محتوای آن را با شعر نیما مقایسه کنید.

- (۱) یکی قطره باران ز ابری چکید
خجل شد چو پهنای دریا بدید
- (۲) که جایی که دریاست من کیستم؟
گر او هست حقاً که من نیستم
- (۳) چو خود را به چشم حقارت بدید
صدف در کنارش به جان پرورید
- (۴) بلندی از آن یافت کاو پست شد
در نیستی کوفت تا هست شد

پاسخ: در شعر نیما، چشمه مغرور است و نهایتاً پس از رسیدن به دریا، به خاطر غرورش از پا درمی‌آید؛ اما در شعر سعدی، یک قطره باران با تواضع و فروتنی در دل صدف جا خوش می‌کند و به مرواریدی ارزشمند تبدیل می‌شود؛ پس غرور موجب نابودی و فروتنی موجب بزرگی است. معنای سروده سعدی:

(۱) قطره بارانی از ابری چکید. وقتی آن قطره، بزرگی دریا را دید، شرمند شد.

(۲) گفت: جایی که دریا وجود دارد، من کسی نیستم. اگر او وجود دارد حقیقتاً که من وجود ندارم.

(۳) چون خودش را کوچک پنداشت (و متکبر نبود) صدف آن قطره را در آغوش کشید و با جان و دل پرورش داد.

(۴) قطره، مقام والا را از آن رو کسب کرد که فروتنی کرد و خود را هیچ پنداشت تا کمال یافت.

مفهوم فروتنی، سبب بلندمرتگی است. **آرایه بیت اول:** قطره باران (در کل سروده): تشخیص / قطره، باران، ابر و دریا: مراعات‌نظیر / قطره باران و دریا: تضاد (یکی نماد کوچکی و دیگری نماد بزرگی) **بیت دوم:** کیستم و نیستم: جناس ناهمسان / هست و نیستم: تضاد **بیت سوم:** به جان پروردن صدف: تشخیص / کسی را به جان پروردن: کنایه از با تمام وجود او را پرورش دادن **بیت چهارم:** بلندی و پست، نیستی و هست: تضاد / در نیستی کوفتن: کنایه از فروتنی کردن و ترک خودبینی / پست و هست: جناس ناهمسان **دستور:** ضمیر «ش» در بیت سوم: مفعول (صدف او را در کنار، به جان پرورید).

۴ دوست دارید جای کدام یک از شخصیت‌های شعر نیما (چشمه، دریا) باشید؟ برای انتخاب خود دلیل بیاورید.

پاسخ: «دریا»، زیرا در این شعر «چشمه» نماد غرور و «دریا» نماد بزرگی و عظمت است. (شما می‌توانید نظر خود را بنویسید.)

گنج حکمت: پیرایه خرد

این داستان از کتاب «کلیله و دمنه» ترجمه نصرالله منشی است.

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

سؤال: ترجمه فارسی «کلیله و دمنه» اثر کیست؟

پاسخ: نصرالله منشی

در آنگیزی سه ماهی بود: دو **حازم**، یکی **عاجز**. از **قضا**، روزی دو صیاد بر آن گذشتند و با یکدیگر **میعاد** نهادند که دام ببارند و هر سه را بگیرند.

معنی در برکه‌ای سه ماهی بود، دو محتاط (دوراندیش) و یک ناتوان. اتفاقاً روزی دو شکارچی از آن برکه رد شدند و

با هم قرار گذاشتند که دام ببارند و هر سه ماهی را بگیرند. **دستور:** «حازم: محتاط» و «هاضم: هضم‌کننده، گوارنده»:

هم‌آوا / «قضا: تقدیر» و «غذا: خوراک» و «غزا: جنگ»: هم‌آوا

سؤال: معنی واژه مشخص شده را بنویسید. «در آنگیزی سه ماهی بود: دو **حازم**، یکی **عاجز**».

پاسخ: حازم: محتاط

حزم: احتیاط، زیرکی، دوراندیشی / دست‌برد: هجوم و حمله؛ دست‌برد دیدن: مورد حمله و هجوم قرار گرفتن / جافی: ستمگر، ظالم / سَبْک: سریع / برفور: فوراً

ماهیان این سخن بشنوندند؛ آن که حزم زیادت داشت و بارها دست‌برد زمانه جافی را دیده بود، سَبْک روی به کار آورد و از آن جانب که آب درمی‌آمد، برفور بیرون رفت.

معنی ماهیان این سخن را شنیدند؛ آن ماهی که محتاط‌تر بود و بارها مورد حمله و هجوم زمانه ستمگر قرار گرفته بود، سریع دست به کار شد و از آن سمت که آب وارد برکه می‌شد، به سرعت بیرون رفت. **مفهوم** استفاده کردن از تجربه و فواید آن **آرایه** دست‌برد زمانه جافی: تشخیص / دست‌برد دیدن: کنایه از مورد حمله و هجوم قرار گرفتن / روی به کار آوردن: کنایه از اقدام کردن **دستور** «سَبْک» و «برفور»: قید / «حزم: احتیاط، دور اندیشی» و «هضم: گوارش»: هم‌آوا **در این میان، صیادان برسیدند و هر دو جانب آبگیر محکم بیستند.**

معنی در این هنگام شکارچیان رسیدند و هر دو سمت برکه را محکم بستند.

دیگری هم که از پیرایه خرد و ذخیرت تجربت بی‌بهره نبود، با خود گفت: «غفلت کردم و فرجام کار غافلان چنین باشد و اکنون وقت حیلست است.»

معنی آن ماهی دیگر هم که از زیور عقل و اندوخته تجربه بی‌بهره نبود، با خود گفت: غفلت کردم و عاقبت کار غافلان این‌گونه است و اکنون زمان تدبیر و چاره‌اندیشی است. **مفهوم** غفلت، آدمی را گرفتار می‌کند و چاره‌اندیشی به او کمک می‌کند. **آرایه** پیرایه خرد: تشبیه («خرد» به «پیرایه» مانند شده است). / ذخیرت تجربت: تشبیه («تجربه» به یک «اندوخته» مانند شده است).

پیرایه: زیور و زینت / ذخیرت: اندوخته / فرجام: عاقبت، سرانجام / حیلست: حيله، تدبیر

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

«دیگری هم از پیرایه خرد بی‌بهره نبود.»

سؤال: معنای واژه مشخص شده را بنویسید.

پاسخ: پیرایه: زیور، زینت

هر چند تدبیر در هنگام بلا فایده بیشتر ندهد، با این‌همه، عاقل از منافع دانش هرگز نومید نگردد و در دفع مکاید دشمن، تأخیر صواب نبیند. وقت ثبات مردان و روز فکر خردمندان است.

معنی هر چند چاره‌اندیشی در هنگام بلا، فایده چندانی ندارد، با این حال، عاقل از منافع‌های دانش هرگز ناامید نمی‌شود و در دور کردن مکرهای دشمن، تأخیر را درست نمی‌داند. زمان پایداری مردان و روز اندیشیدن خردمندان است. **مفهوم** سودمندی همیشگی دانش و تأخیر نکردن در دفع حيله‌های دشمن **دستور** تأخیر: مفعول / «صواب: درست» و «ثواب: پاداش»: هم‌آوا

بیشتر: چندان / دفع: دور کردن / مکاید: جمع مکیدت، مکرها، حيله‌ها / صواب: درست، صحیح / ثبات: پایداری

«عاقل در دفع مکاید دشمن تأخیر (ثواب / صواب) نبیند.» (نهایی فردا ۱۴۰۲)

سؤال: املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

پاسخ: «صواب» صحیح است.

پس خویشتن مرده کرد و بر روی آب می‌رفت. صیاد او را برداشت و چون صورت شد که مرده است، بینداخت. به حیلست خویشتن در جوی افکند و جان به سلامت برد.

معنی پس وانمود کرد که مرده است و بر روی آب [بدون تکان خوردن] می‌رفت. شکارچی او را برداشت و هنگامی که به نظر رسید مرده است، پرتش کرد و او با تدبیر، خود را در جوی انداخت و زنده ماند. **دستور** خویشتن: مفعول / مرده: مسند / **و آن که غفلت بر احوال وی غالب و عجز در افعال وی ظاهر بود، حیران و سرگردان و مدهوش و پای‌کشان، چپ و راست می‌رفت و در فراز و نشیب می‌دوید تا گرفتار شد.**

معنی و آن ماهی که غفلت و بی‌خبری بر احوال او چیره و ناتوانی در رفتارش ظاهر شده بود، حیران و سرگردان و سرگشته و لنگ‌لنگان، چپ و راست می‌رفت و بالا و پایین می‌دوید تا گرفتار شد. **مفهوم** عاقبت شوم غفلت و ناتوانی **آرایه** «چپ و راست» - «فراز و نشیب»: تضاد و مجاز از همه‌جا / پای‌کشان: کنایه از با حالت عجز و ناتوانی **دستور** حیران، سرگردان، مدهوش و پای‌کشان: قید / «غالب: چیره» و «قالب: جسم، چهارچوب»: هم‌آوا

غالب: چیره / افعال: جمع فعل، کارها / مدهوش: سرگشته / پای‌کشان: لنگ‌لنگان / فراز: بالا / نشیب: پایین

آزمون درس یکم (پاسخ در صفحه ۲۰۶)

قلمرو زبانی

واژه

معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

ماه ببیند رخ خود را به من
رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور

۲۶- چون بگشایم ز سر مو شکن

۲۷- زین نَمَط آن مست‌شده از غرور

۲۸- دیده سیه کرده شده زهره‌در

۲۹- داده تنش بر تن ساحل یله

۳۱- با یکدیگر میعاد نهادند.

۳۰- در آگیری سه ماهی بود: دو حازم، یکی عاجز.

۱. با این نوع از مسند در سال دوازدهم آشنا می‌شوید.

۳۲- معنای واژه‌های مشخص‌شده را با معادل امروزی آنها مقایسه کنید.

در بن این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری؟
 راست به مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل یله

املا

■ املاي درست واژه‌ها را از داخل کمانک انتخاب کنید.

(نهایی شهریور ۱۴۰۲)

۳۳- (خواست / خاست) کزان ورطه قدم درکشد خویشتن از حادثه برتر کشد

(نهایی فروردار ۱۴۰۲)

۳۴- آن که غفلت بر احوال وی (قالب / غالب) و عجز در افعال وی ظاهر بود، سرگردان چپ و راست می‌رفت.

۳۵- در گروه کلمات داده شده نادرستی‌های املايي را تصحیح کنید. «هاضم و هوشیار - حزم و دوراندیشی - ذخیرت تجربت - وقت حیلت - ثواب دید و مصلحت - چیره و قالب - فراز و نشیب»

دستور زبان

۳۶- در ابیات زیر، نقش کلمات مشخص‌شده را بنویسید.

ابر ز من حامل سرمایه شد باغ ز من صاحب پیرایه شد
 گل به همه رنگ و برازندگی می‌کند از پرتو من زندگی

۳۷- بیت زیر را براساس ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی، مرتب کنید.

گشت یکی چشمه ز سنگی جدا غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزیا

قلمرو ادبی

۳۸- سراینده شعر «چشمه» است.

۴۰- شعر «چشمه» در چه قالبی سروده شده است؟

■ در هر یک از ابیات زیر قسمت‌های مشخص‌شده، چه آرایه‌هایی پدید آورده است؟

(نهایی فروردار ۱۴۰۲)

۴۲- راست به مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل یله

۴۳- چون بگشایم ز سر مو شکن ماه ببیند رخ خود را به من

۴۴- قطره باران که درافتد به خاک زو بدمد بس گهر تابناک

۴۵- در بن این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری؟

۴۶- لیک چنان خیره و خاموش ماند کز همه شیرین‌سخنی گوش ماند

۴۷- با توجه به شعر نیما «چشمه» نماد چه کسانی است؟

۴۹- مصراع دوم بیت زیر، حاوی چه نوع پرسشی است؟

«در بن این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری؟»

۵۰- در بیت «گل به همه رنگ و برازندگی / می‌کند از پرتو من زندگی» واج‌آرایی کدام صامت (حرف‌ها) مشهود است؟

■ در هر یک از مصراع‌های زیر مجاز را مشخص کنید و مفهوم آن را بنویسید.

۵۱- پشت دیوار آنچه گویی هوش دار تا نباشد در پس دیوار گوش

۵۲- ما را سر باغ و بوستان نیست هر جا که تویی تفرج آنجاست

۵۳- عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت فتنه‌انگیز جهان نرگس جادوی تو بود

(نهایی شهریور ۱۴۰۲)

۵۴- در تشبیه موجود در بیت زیر، «مشبّه‌به» را مشخص کنید.

راست به مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل یله

قلمرو فکری

درک مطلب

۵۵- با توجه به ابیات زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

گشت یکی چشمه ز سنگی جدا غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزیا

گفت: در این معرکه یکتا منم تاج سر گلبن و صحرا منم

الف) شاعر با آوردن صفت «چهره‌نما»، کدام ویژگی چشمه را نشان داده است؟

ب) عبارت کنایی «تاج سر بودن» به چه معناست؟

۵۶- پس از رسیدن به دریا، چه تغییری در نگرش و نحوه تفکر «چشمه» ایجاد شد؟

۵۷- سروده زیر از سعدی است. آن را از نظر محتوا با شعر «چشمه» سروده نیما مقایسه کنید.

یکی قطره باران ز ابری چکید خجل شد چو پهنای دریا بدید

که جایی که دریاست من کیستم؟ گر او هست حقاً که من نیستم

چو خود را به چشم حقارت بدید صدف در کنارش به جان پرورید

بلندی از آن یافت کاو پست شد در نیستی کوفت تا هست شد

عبارات و اشعار زیر را به نثر روان معنی کنید.

- ۵۸- ابر ز من حامل سرمایه شد
- ۵۹- دید، یکی بحر خروشنده‌ای
- ۶۰- راست به مانند یکی زلزله
- ۶۱- خواست کز آن ورطه قدم درکشد
- ۶۲- گفت در این معرکه یکتا منم
- ۶۳- آن که حزم زیادت داشت و بارها دستبرد زمانه جافی را دیده بود، سبک روی به کار آورد.

(نوایی شهریور ۱۴۰۲)

- ۶۴- دیگری هم که از پیرایه خرد و ذخیرت تجربت بی بهره نبود، با خود گفت: «غفلت کردم و فرجام کار غافلان چنین باشد.»
- ۶۵- عاقل در دفع مکاید دشمن تأخیر صواب نبیند.

بیشتر تمرین کنید (پاسخ در صفحه ۲۰۶)

قلمرو زبانی

- ۶۶- واژه «شکن» در کدام گزینه معنایی متفاوت دارد؟
 - ۱) شرح شکن زلف خم‌اندرخم جانان
 - ۲) خواهم جنونی صفت‌شکن، آشوب جان مردوزن
 - ۳) من این آه جگرسوز از دل پیمان‌شکن دارم
 - ۴) ای نجات زندگان و ای حیات مردگان
- ۶۷- با توجه به مصراع «خواست کز آن ورطه قدم درکشد» کدام گزینه معنای واژه «ورطه» را در بر ندارد؟
 - ۱) گرفتار
 - ۲) مهلکه
 - ۳) گرداب
 - ۴) گودال
- ۶۸- در عبارت زیر، کدام واژه‌ها دارای هم‌آوا هستند؟ این واژه‌ها و هم‌آواهای آنها را به همراه معنی هر کدام بنویسید.

در آبیگری سه ماهی بود: دو حازم، یکی عاجز. از قضا، روزی دو صیاد بر آن گذشتند.
- ۶۹- در کدام بیت املائی واژه‌های نادرست است؟
 - ۱) پند حکیم محض صواب است و عین خیر
 - ۲) صواب آن شد که نگشایی به کس راز
 - ۳) ما امید از طاعت و چشم از ثواب افکنده‌ایم
 - ۴) اگر خواهی گذشتن از صراط آسان شود بر تو
- ۷۰- فعل «دیدن» در چه معنایی به کار رفته است؟

عاقل از منافع دانش هرگز نومید نگردد و در دفع مکاید دشمن، تأخیر صواب نبیند.
- ۷۱- در بیت «ابر ز من حامل سرمایه شد / باغ ز من صاحب پیرایه شد» فعل اسنادی و مسند را بررسی کنید.

(نوایی شهریور ۱۴۰۲ - با اندکی تغییر)

قلمرو ادبی

در هر یک از بیت‌های زیر، واژه مشخص شده حقیقت است یا مجاز؟

- ۷۲- نرگس طلبد شیوه چشم تو زهی چشم
- ۷۳- خیز و بالا بنما ای بت شیرین حرکات
- ۷۴- سرم سپید شد و نامه از گنه سپیه است
- ۷۵- در بیت «گه به دهان برزده کف چون صدف / گاه چو تیری که رود بر هدف» کدام آرایه ادبی وجود دارد؟
 - ۱) مجاز
 - ۲) حس آمیزی
 - ۳) حسن تعلیل
 - ۴) جناس

(نوایی فروردین ۱۴۰۲ - با اندکی تغییر)

- ۷۶- نازکان از سخن سرد ز هم می‌پاشند
- ۷۷- می‌چکد خون چو کباب از سخن رنگینم
- ۷۸- به تلخی مگذران این عمر شیرین
- ۷۹- به سلام خشک خوش کن دل ناتوان ما را

قلمرو فکری

- ۸۰- بیت «که جایی که دریاست من کیستم؟ / گر او هست حقاً که من نیستم» کدام ویژگی اخلاقی را بیان می‌کند؟
- ۸۱- مفهوم مشترک بیت‌های زیر چیست؟
 - ◀ ما را سر باغ و بوستان نیست
 - ◀ سخن این است که ما بی تو نخواهیم حیات
- ۸۲- مفهوم ابیات زیر را مقایسه کنید.
 - الف) مردان رهش میل به هستی نکنند
 - ب) در بن این پرده نیلوفری

خودبینی و خویش‌پرستی نکنند
کیست کند با چو منی همسری؟

پاسخ نامہ تشریحی



ستایش: به نام کردگار

۱. افلاک: جمع فلک؛ آسمان‌ها
۲. فضل: لطف، توجه، رحمت، احسان - که از خداوند می‌رسد -
۳. رزاق: روزی‌دهنده
۴. زهی: هنگام اظهار خشنودی یا شگفتی از چیزی یا تشویق و تحسین کسی گفته می‌شود. خوشا، آفرین، شگفتا.
۵. «نذر» نادرست و «نظر» شکل صحیح است.
۶. «رخسار» نادرست و «رخسار» شکل صحیح است.
۷. «فروق» نادرست و «فروغ» شکل صحیح است.
۸. تو خلاق هر دانا و نادان هستی.
۹. تو هم آشکار [و] هم نهانم هستی.
۱۰. «ص» ← «آدم را از کفی خاک آفرید.» («آدم»: مفعول)
۱۱. «غ» ← «گل خندان است.» («گل»: نهاد)
۱۲. الهی‌نامه
۱۳. عطار نیشابوری
۱۴. مثنوی
۱۵. «خندان و مشتاق بودن گل»: تشخیص
۱۶. کنایه از کل موجودات است.
۱۷. خداوند
۱۸. خداوند، من چیزی نمی‌دانم و این تو هستی که همه چیز را می‌دانی و از آنچه می‌خواهی، آگاهی (دانای مطلق).

پاسخ بیشتر تمرین کنید ستایش

۱۹. الف پرتو
۲۰. [من] به نام کردگار هفت افلاک [سخنم را آغاز می‌کنم].
مسند در سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): «چی هستی؟ مسند» رزاق / گزینه (۲): شکل مرتب‌شده مصراع: زهی، کام و زبانم ز تو گویا [است]. «چی است؟ مسند» گویا / گزینه (۴): «چی است؟ مسند» خندان
۲۱. الهی‌نامه («نامه الهی» یادآور «الهی‌نامه» یکی از مثنوی‌های عطار است.)
۲۲. خندیدن گل: تشخیص دارد و کنایه از شکفته شدن آن است.
۲۳. پیدا و پنهان: کل موجودات/ دانا و نادان: همه مخلوقات
۲۴. وصف ناپذیر بودن محبوب یا خداوند
۲۵. تأکید بر نادانی خود در برابر دانایی خداوند

درس یکم: چشمه

۲۶. شکن: پیچ و خم زلف
۲۷. نَمَط: روش، طریقه
۲۸. زهره‌در: بسیار ترسناک
۲۹. یله: رها، آزاد؛ یله‌دادن: تکیه‌دادن
۳۰. حازم: محتاط
۳۱. میعاد: وعده، قرار
۳۲. همسری: در متن درس به معنی «برابری» و امروزه به معنی «ازدواج» است. راست: در متن درس به معنی «دقیقاً» و امروزه به معنی «سمت راست» یا «سخن درست» است.
۳۳. خواست
۳۴. غالب (بهره)
۳۵. گروه کلمات «هاضم و هوشیار»، «ثواب‌دید و مصلحت» و «چیره و قالب» نادرست و شکل صحیح آنها «حازم و هوشیار»، «صواب‌دید و مصلحت» و «چیره و غالب» است.
۳۶. «چی شد؟» ← «حامل»: مسند؛ «چه چیزی صاحب پیرایه شد؟» ← «باغ»: نهاد؛ «چه کسی زندگی می‌کند؟» ← «گل»: نهاد؛ «پرتو»: متمم (بعد از حرف اضافه «از» آمده است).
۳۷. یک چشمه غلغل‌زن، چهره‌نما و تیزپا از سنگی جدا گشت.
۳۸. نیما یوشیج (علی اسفندیاری) ۳۹. نصرالله منشی
۴۰. در قالب مثنوی، چون دو مصراع هر بیت آن، قافیه جداگانه دارد.
۴۱. گاهی شاعر یا نویسنده، موضوع و مفهومی رفتاری، اخلاقی یا مسئله‌ای اجتماعی و پندآموز را به شیوه اندرز بازگو می‌کند و برای این منظور از داستان یا حکایت در قالب شعر و نثر بهره می‌گیرد؛ چنین آثاری را «ادبیات تعلیمی» می‌نامند. اثر تعلیمی، اثری است که با هدف آموزش و تعلیم، موضوع‌هایی از حکمت، اخلاق، مذهب یا دانشی از معارف بشری را بیان می‌کند.

۴۲. «به‌مانند یکی زلزله»: تشبیه («ش» مشبه؛ به‌مانند، ادات تشبیه؛ یکی زلزله، مشبه‌به)
۴۳. «مو»: استعاره از «امواج»
۴۴. «گهر»: استعاره از «گل و گیاه»
۴۵. «پرده نیلوفری»: استعاره از «آسمان لاجوردی»
۴۶. «شیرین سخنی»: حس آمیزی (مس پیشایی + شنوائی) و کنایه از زیبا سخن گفتن
۴۷. نماد انسان‌های مغرور و خودپسند
۴۸. «حرف‌هایم مثل یک تکه چمن»: تشبیه/ «روشن بودن حرف»: حس آمیزی
۴۹. مصراع دوم «پرسش انکاری» دارد (کسی نمی‌تواند با من برابری کند).
۵۰. تکرار صامت‌های «ن» و «گ» واج‌آرایی پدید آورده است.
۵۱. گوش: مجاز از انسان سخن‌چین
۵۲. سر: مجاز از قصد و اندیشه
۵۳. نرگس: مجاز از چشم (دقت کنید که واژه‌های «عالم» و «میان» در معنای حقیقی به کار رفته‌اند؛ شاعر می‌گوید: زیبایی تو تمام میان آفرینش را شیفته فود کرده و نه فقط مردم میان را).
۵۴. زلزله [او] به‌مانند زلزله ...
مشبه ادات تشبیه مشبه‌به
۵۵. الف زلال و شفاف یا جلوه‌گر و خودنما بودن ب مایه افتخار و بزرگی بودن
۵۶. عظمت دریا را دریافت و به ناچیزبودن خود پی برد.
۵۷. در شعر نیما «چشمه» مغرور است و نهایتاً پس از رسیدن به دریا، به خاطر غرورش از پا درمی‌آید؛ اما در شعر سعدی، یک قطره باران با تواضع و فروتنی در دل صدف جا خوش می‌کند و به مرواریدی ارزشمند تبدیل می‌شود.
۵۸. ابر سرمایه خود را که باران است، از من می‌گیرد و باغ از من صاحب زیبایی می‌شود.
۵۹. دریای خروشان را دید که ترس‌آور، کم‌نظیر و جوشان بود.
۶۰. [دریا] درست مانند زمین‌لرزه‌ای، بدنش را بر روی ساحل رها کرده بود (موج‌های دریا روی ساحل رها می‌شدند).
۶۱. خواست که از آن مهلکه بیرون بیاید و خود را از آن حادثه نجات دهد.
۶۲. گفت در این عالم، من یگانه هستم و مایه افتخار گل و گلزارم.
۶۳. آن ماهی که محتاط‌تر بود و بارها مورد حمله و هجوم زمانه متمکار قرار گرفته بود، سریع دست به کار شد.
۶۴. آن ماهی دیگر هم که از زیور عقل و اندوخته تجربه بی‌بهره نبود، با خود گفت: غفلت کردم و عاقبت کار غافلان این‌گونه است.
۶۵. عاقل در دور کردن مکرهای دشمن، تأخیر را درست نمی‌داند.

پاسخ بیشتر تمرین کنید درس یکم

۶۶. ۱ شکن در این گزینه به معنای پیچ و خم زلف است و در سایر گزینه‌ها بن مضارع از مصدر «شکستن» است (صف شکن، صف شکننده / پیمان شکن، پیمان شکننده / بت شکن، بت شکننده).
۶۷. ۱ ورطه به معنای «گرفتاری» است و نه «گرفتار» (واژه‌نامه را ببینید).
۶۸. «حازم: محتاط» و «هاضم: هضم‌کننده»: هم‌آوا/ «قضا: تقدیر» و «غذا: خوراک» و «غزا: جنگ»: هم‌آوا
۶۹. ۴ «صواب: درست، صحیح، مصلحت» و «ثواب: پاداش» (قدم از راه صواب و درست بیرون منه).
- گزینه (۱): پند کلیم مضمّن صواب است؛ پند کلیم، بی‌شک درست است. گزینه (۲): صواب آن شد که گشایی به کس راز؛ درست یا مصلحت آن است که راز نزد کسی افشا نکنی. گزینه (۳): ما ... هشم از ثواب آنگنده ایم؛ ما توقع و هشم داشت پاداش را، کتا گذاشته ایم.
۷۰. دانستن، تصوّر کردن، پنداشتن
۷۱. فعل «شد» در هر دو مصراع اسنادی است. «حامل سرمایه» و «صاحب پیرایه» نیز مسند هستند.
۷۲. حقیقت (نرگس در معنای گل نرگس است).

فارسی ۱		رشته: کلیه رشته‌ها		نمونه امتحان نیمسال دوم
Kheilisabz.com		نهایی خرداد ۱۴۰۳	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	امتحان شماره ۶
ردیف	نمره	قلمرو زبانی (۷ نمره)		
۱	۰/۵	معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. (الف) بر تالابی از خون خویش / در گذرگه تاریخ ایستاده‌ای (ب) در نوای طوطیان حاذق بدی		
۲	۰/۲۵	کدام واژه‌ها در دو متن زیر، معنای مشترکی را به ذهن می‌رسانند؟ (الف) هر چند تدبیر در هنگام بلا فایده بیشتر ندهد، با این همه عاقل از منافع دانش هرگز نومید نگردد. (ب) بدانست کایوخت گردآفرید مر آن را به جز چاره درمان ندید		
۳	۰/۲۵	در کدام گزینه هر سه کلمه رابطه ترادف ندارند؟ (۱) گمیت - باره - سمند (۲) گبر - ترگ - خود (۳) حصار - باره - دژ		
۴	۰/۲۵	کدام یک از واژگان زیر، اهمیت املائی کمتری دارد؟ (۱) رحمت (۲) آیت (۳) ذین (۴) سودا		
۵	۰/۵	واژه درست را از بین واژه‌های داخل کمانک انتخاب کنید و بنویسید. (الف) به جای دیوار، تلی از آجرهای شکسته و پاره‌های خشت و (خورده‌های / خرده‌های) گچ، روی هم ریخته بود. (ب) آن‌ها از بین گل‌ولایی که حاصل (جزر / جذر) و مد آب خور است، خود را به قایق‌ها می‌رسانند.		
۶	۰/۲۵	در کدام یک از موارد زیر، نادرستی املائی بیشتری دیده می‌شود؟ (۱) پس به ضجر و مصادره از وی بازستانی و در خزینه نهی، درویش و رأیت را چه سود دارد؟ (۲) خلف سدق نیاکان هنرور خود بود و نمایش نیم‌رخ زنده‌گان، راضی در بر داشت.		
۷	۱	در گروه کلمات زیر، چهار واژه نادرست املائی بیابید و شکل درست آن‌ها را بنویسید. «استعداد و قریحه - تقریض و مطلب ستایش آمیز - اشباح و هماندها - فرقت و وصلت - وقاحت و بی‌شرمی - معلوف و خوگرفته - اوان و هنگام - اندوه و ترب»		
۸	۰/۲۵	در کدام یک از جمله‌های زیر، حذف به قرینه معنایی وجود دارد؟ (۱) حرام از یک کف دست کاغذ و یک بند انگشت مداد که خسرو به مدرسه بیاورد. (۲) همنشین نیک بهتر از تنهایی است و تنهایی بهتر از همنشین بد.		
۹	۰/۵	تفاوت معنایی فعل «شد» را در گزینه‌های زیر بررسی کنید. (الف) روز سیوم به مجلس وزیر شدیم. (ب) آن مرد خجل شد و عذرها خواست.		
۱۰	۰/۲۵	نقش ضمیر پیوسته در کدام گزینه متفاوت است؟ (۱) که دوستان گرم دل دهند، جان ندهند (۲) فرشته‌ات به دو دست دعا نگه دارد (۳) ز روی لطف بگویش که جانگه دارد (۴) پیاده بیاموزمت کارزار		
۱۱	۰/۵	با توجه به متن زیر، درستی یا نادرستی عبارت‌ها را مشخص کنید. «سرورم / جز تو کسی نمانده است / که در زندگی ما نخل و عنب و تاکستان بکارد.» (الف) زمان فعل‌ها به ترتیب ماضی بعید و مضارع التزامی است. (ب) نوع «و» مشخص شده، عطف است.		
۱۲	۰/۷۵	با توجه به بیت «وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب / بر دولت‌آشیان شما نیز بگذرد» یک گروه اسمی مطابق با الگوی «صفت + هسته + مضاف‌الیه» بنویسید.		
۱۳	۰/۵	پاسخ درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. (الف) در مصراع «سپهید، عنان ازدها را سپرد» نوع «را» (حرف اضافه / نشانه مفعول) است. (ب) در بیت «به خون گر کشی خاک من دشمن من / بجوشد گل اندر گل از گلشن من» واژه «دشمن / خاک» در نقش منادا به کار رفته است.		
۱۴	۰/۲۵	در جمله «به شامگاه چنان بنگر که گویی روز بایستی در آن فرومیرد» جمله پیرو را مشخص کنید.		

نمونه امتحان نیم‌سال دوم	رشته: کلیه رشته‌ها	فارسی ۱
امتحان شماره ۶	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	نهایی خرداد ۱۴۰۳
Kheilisabz.com		
۱۵	با توجه به ابیات زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید. «زنی بود بر سان گردی سوار کجا نام او بود گردآفرید الف) نقش واژه مشخص شده با کدام واژه در مصراع دوم بیت اول یکسان است؟ ب) در بیت دوم، کلمه حرف پیوند وابسته‌ساز است.	۰/۵
۱۶	با توجه به متن‌های داده‌شده، به سؤالات پاسخ دهید. «کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید قضا همی‌بردش تا به سوی دانه و دام» «بدان که قرآن مانند است به بهشت جاودان؛ در بهشت از هزار گونه نعمت است و در قرآن از هزار گونه حکمت است.» الف) کدام کلمه، هم‌آوا دارد؟ ب) یک کلمه دوتلفظی مشخص کنید.	۰/۵
قلمرو ادبی (۵ نمره)		
۱۷	در بیت «یکی تیر زد بر بر اسب اوی / که اسب اندر آمد ز بالا به روی» ویژگی قهرمانی حماسه مشهود است یا ملی؟	۰/۲۵
۱۸	درس عظمت نگاه از کتاب «مآئده‌های زمینی و مآئده‌های تازه» اثر انتخاب شده است.	۰/۲۵
۱۹	نام پدیدآورندگان کدام آثار در مقابل آن درست ذکر نشده است؟ الف) ارزیابی شتابزده: جمال میرصادقی ب) اخلاق محسنی: حسین واعظ کاشفی ج) من زنده‌ام: معصومه آباد ه) گوشواره عرش: مرتضی آوینی د) سمفونی پنجم جنوب: نزار قبانی	۰/۵
۲۰	در جمله‌های زیر، کدام کلمات آرایه سجع را به وجود آورده‌اند؟ «الهی حجاب‌ها را از راه بردار و ما را به ما مگذار.»	۰/۲۵
۲۱	در بیت زیر، کدام دلیل شاعرانه باعث حسن تعلیل شده است؟ «بید مجنون در تمام عمر، سر بالا نکرد حاصل بی‌حاصلی نبود به جز شرمندگی»	۰/۵
۲۲	آرایه مناسب هر بیت را از ستون سمت چپ انتخاب کنید. (یک مورد اضافه است). ستون (الف) ستون (ب)	۱
	الف) زین کاروانسرای بسی کاروان گذشت ب) به گرز گران دست برد اشکبوس ج) گفتم که بوی زلفت گمراه عالم کرد د) گه به دهان بر زده کف چون صدف ناچار کاروان شما نیز بگذرد زمین آهنین شد سپهر آبنوس گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید گاه چو تیری که رود بر هدف ۱- جناس ۲- استعاره ۳- تمثیل ۴- اغراق ۵- ایهام	
۲۳	مفهوم هر یک از کنایه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) اینان دریادلان صف‌شکنی هستند که دل دشمن را از رعب و وحشت می‌لرزاند. ب) بزرگان به هر حق و باطلی از جای نشوند.	۰/۵
۲۴	آرایه درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) با صدایی که گویی از ته چاه درمی آمد گفت: «داد زن! من گوش استماع ندارم لَمَنْ تَقُول؟» (تضمین / تلمیح) ب) از سوی خانه بیامد خواجه‌اش بر دکان بنشست فارغ خواجه‌وش (استعاره / تشبیه) ج) ای سرزمینی کز خاکت / خوشه‌های گندم می‌روید / و پیامبران برمی‌خیزند. (نماد / جناس)	۰/۷۵
۲۵	کدام گزینه کامل‌کننده مصراع زیر است؟ «چه زخم چو نای هر دم ز نوای شوق او دم متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را ۲) که لسان غیب خوش‌تر بنوازد این نوا را	۰/۲۵
۲۶	کلمات درهم‌ریخته مصراع زیر را مرتب کنید. «سهل - باشد - چون - بیابان‌ها - عشق - است - حرم»	۰/۲۵

نمونه امتحان نیمسال دوم		رشته: کلیه رشته‌ها		فارسی ۱
امتحان شماره ۶		مدت امتحان: ۹۰ دقیقه		Kheilisabz.com
نمونه امتحان نیمسال دوم		نهایی خرداد ۱۴۰۳		
۰/۵	۲۷	مصراع دوم بیت زیر را کامل کنید. «دگر ره چنان شد هنر آشکار»		
قلمرو فکری (۸ نمره)				
۰/۵	۲۸	مفهوم مشترک ابیات زیر را بنویسید. الف) حدیث دوست نگویم مگر به حضرت دوست که آشنا سخن آشنا نگه دارد ب) تا نگردي آشنا زين پرده رمزي نشنوي گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش		
۰/۵	۲۹	خواجه نظام‌الملک در عبارت «شهر را از عدل، دیوار کن و راه‌ها از ظلم و خوف پاک کن که حاجت نیست به گل و خشت و سنگ و گچ.» چه چیزی را لازمه امنیت پایدار در مملکت دانسته است؟		
۰/۵	۳۰	متن‌ها را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید. «معلم دور نبود، صورتک به رو نداشت. «صاد» معلم ما بود، کارش نگار نقشه قالی بود.» «تدبیر برادران برخلاف تقدیر رحمان آمد، تا عالمیان بدانند که هرگز کید کایدان با خواست خداوند غیب‌دان برابر نیاید.» الف) نویسنده در توصیف معلم خود به کدام ویژگی‌های اخلاقی او اشاره کرده است؟ (ذکر یک مورد کافی است). ب) در متن دوم چه چیزی در تقابل با مشیت الهی قرار گرفته است؟		
۱	۳۱	مفهوم مناسب هر گزینه را از ستون سمت چپ انتخاب کنید. (یک مورد اضافه است). ستون (الف) الف) هر آن که گردش گیتی به کین او برخاست ب) سر گرگ باید هم اول برید ج) دوران روزگار به ما بگذرد بسی د) اگر غم و شادیت بود، به آن کس گوی که او تیمار غم و شادی تو دارد. ستون (ب) ۱- متغیّر بودن ایّام ۲- شومی سرنوشت ۳- مجال ندادن به ظالم ۴- ظلم‌پذیری ۵- همنشین مهربان و دلسوز		
۰/۵	۳۲	با توجه به متن به پرسش‌ها پاسخ دهید. «دشمن در برابر ایمان جنود خدا، متکی به ماشین پیچیده جنگ است. از همان نخستین ساعات فتح، هواپیماهای دشمن در پی تلافی شکست برمی‌آیند، حال آن‌که در معركة قلوب مجاهدان خدا آرامشی که حاصل ایمان است، حکومت دارد.» الف) در این متن، نویسنده از تقابل کدام نیروها در برابر هم سخن گفته است؟ ب) مفهوم آیه ﴿إِلَّا يَذْكُرِ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ از کدام بخش متن قابل فهم است؟		
۰/۵	۳۳	در بیت «که هم رزم جستی هم افسون و رنگ / نیامد ز کار تو بر دوده ننگ»؛ الف) منظور از «رنگ» در مصراع اول چیست؟ ب) مفهوم مصراع دوم را بنویسید.		
۰/۵	۳۴	نویسنده در عبارت «برای من خواندن این‌که شن‌های ساحل نرم است بس نیست، می‌خواهم پاهای برهنه‌ام آن را حس کنند. به چشم من هر شناختی که مبتنی بر احساس نباشد بیهوده است.» بر چه چیزی تأکید دارد؟		
۰/۲۵	۳۵	معنی و مفهوم اشعار و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.		
۰/۲۵		الف) خون تو امضای راستی است.		
۰/۲۵		ب) گل از شوق تو خندان در بهار است		
۰/۵		ج) به آورد با او بسنده نبود		
۰/۵		د) نکته گفتی با همه سوداگران		
۰/۵		ه) درحال، سی دینار فرستاد که این را به بهای تن‌جامه بدهید.		
۰/۵		و) ناتانائیل، تمایزی میان خدا و خوشبختی قائل مشو و همه خوشبختی خود را در همین دم قرار ده.		
۰/۷۵	۳۶	ز) کشانی بخندید و خیره بماند عنان را گران کرد و او را بخواند		
۰/۷۵	۳۷	ح) ولی چه سود که «حسودان تنگ‌نظر و عنودان بدگهر» وی را به لهو و لعب کشیدند.		
۲۰	جمع نمرات			

۲۴. الف تضمین (۰/۲۵)
 ب تشبیه (۰/۲۵)
 ج نماد (۰/۲۵)
۲۵. ۲ یا که لسان غیب خوش‌تر ... (۰/۲۵)
۲۶. چون عشق حرم باشد، سهل است بیابان‌ها (۰/۲۵)
۲۷. کزان خیره شد (۰/۲۵) دیده روزگار (۰/۲۵)
۲۸. شرط محرمیت و هم‌رازی، عشق و آشنایی است (یا هر پاسخ مشابه). (۰/۵)
۲۹. گسترش عدالت یا عدالت یا عدل (یا هر پاسخ مشابه) (۰/۵)
۳۰. الف صمیمیت و یک‌رویی (هر کدام که بنویسند) (۰/۲۵) (یا هر پاسخ مشابه)
 ب تدبیر و چاره‌اندیشی برادران یا مکر و حیلۀ آن‌ها (۰/۲۵)
 ۳۱. الف ۲ یا شومی سرنوشت (۰/۲۵)
 ب ۳ یا مجال‌ندادن به ظالم (۰/۲۵)
 ج ۱ یا متغیربودن ایام (۰/۲۵)
 د ۵ یا همنشین مهربان و دلسوز (۰/۲۵)
۳۲. الف نیروی ایمان در تقابل با نیروی ماشین یا معنویت در برابر مادیت (یا هر پاسخ مشابه) (۰/۲۵)
- ب «حال آن‌که در معرکۀ قلوب مجاهدان خدا آرامشی که حاصل ایمان است، حکومت دارد.» یا جمله آخر (۰/۲۵)
۳۳. الف تدبیر، حیلۀ یا فریب (یا هر پاسخ مشابه) (۰/۲۵)
 ب کار تو باعث ننگ خانواده (خاندان) نشد. (۰/۲۵)
 ۳۴. معرفت حسی یا تجربی (یا هر پاسخ مشابه) (۰/۵)
 ۳۵. (از مورد «الف» تا «ح»، به هر پاسخ مشابه با راهنمای تصحیح، نمره تعلق بگیرد.)
 الف شهادت تو تأیید راستی و حقیقت است. (۰/۲۵)
 ب گل از اشتیاق و عشق تو است که در بهار شکفته و خرم است. (۰/۲۵)
 ج در جنگ (۰/۲۵) حریف سهراب نبود (۰/۲۵) زورش به سهراب نمی‌رسید.
 د با مشتریان و تاجران (۰/۲۵) شوخی می‌کرد (۰/۲۵) سخنان لطیف می‌گفت.
 ه همان موقع سی دینار فرستاد (۰/۲۵) که این را بابت خرید لباس خرج کنی. (۰/۲۵)
 و ناتائیل! تفاوتی میان خدا و خوشبختی ندان، (۰/۲۵) و تمام خوشبختی خودت را در غنیمت‌شمردن لحظه‌ای که در آن هستی قرار بده. (۰/۲۵) (قدر لحظه را دانستن و از عمر بهره‌بردن)
 ز اشکبوس کشانی خندید و حیران ماند، (۰/۲۵) افسار اسب را کشید (اسب را متوقف کرد) (۰/۲۵) و او را صدا زد. (۰/۲۵)
 ح اما چه فایده که حسودان بخیل/ انسان‌های حسود و بی‌طرفیت (۰/۲۵) و دشمنان بدذات (۰/۲۵) او را به سرگرمی و بازی (فساد و تباهی) کشاندند. (۰/۲۵)

۱. الف برکه، آبگیر (۰/۲۵)
 ب ماهر، چیره‌دست (۰/۲۵)
۲. الف تدبیر - ب چاره (۰/۲۵)
۳. ۲ یا گیر، ترگ، خود (۰/۲۵)
۴. ۳ یا دین (۰/۲۵)
۵. الف خرده‌های (۰/۲۵)
 ب جزر (۰/۲۵)
۶. ۲ یا خلف سدی ... (۰/۲۵)
۷. تقریظ (۰/۲۵) اشباه (۰/۲۵)
 مألوف (۰/۲۵) طرب (۰/۲۵)
۸. ۱ یا حرام از یک کف ... (۰/۲۵)
۹. الف رفتیم یا رفت (۰/۲۵)
 ب اسنادی (۰/۲۵)
۱۰. ۲ یا فرشته‌ها (۰/۲۵)
۱۱. الف نادرست (۰/۲۵)
 ب درست (۰/۲۵)
۱۲. وین (این) بوم محنت (۰/۷۵)
۱۳. الف حرف اضافه (۰/۲۵)
 ب دشمن (۰/۲۵)
۱۴. که گویی روز بایستی در آن فرومیرد (۰/۲۵)
۱۵. الف نامدار (۰/۲۵) ب کجا (۰/۲۵)
۱۶. الف قضا (۰/۲۵) ب جاودان (۰/۲۵)
۱۷. زمینۀ قهرمانی (۰/۲۵)
۱۸. آندره ژید (۰/۲۵)
۱۹. الف یا ارزیابی شتاب‌زده (۰/۲۵)
 ه یا گوشواره عرش (۰/۲۵)
۲۰. بردار و مگذار (۰/۲۵)
۲۱. سرافکندگی یا شرمندگی به خاطر بی‌حاصلی است. (۰/۵)
۲۲. الف ۲ یا استعاره یا کاروانسرا یا کاروان (۰/۲۵)
 ب ۴ یا اغراق یا مصرع زمین آهنین ... (۰/۲۵)
 ج ۵ یا ایهام یا بوی (۰/۲۵)
 د ۱ یا جناس یا صدف و هدف (۰/۲۵)
۲۳. الف دلیر و شجاع (۰/۲۵)
 ب عصبانی و آشفته نمی‌شوند یا کنترل خود را از دست نمی‌دهند. (۰/۲۵)